

# مددکش شهری

شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳

No.36 Autumn 2014

۲۶۹-۲۹۸

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۴/۲۳

زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۶/۸

## تبیین مفهوم گفتمان مدنی در عرصه‌های عمومی شهری با رویکردی اکتشافی؛ از حمام‌ها تا تالارهای شهری

محمد مهدی بلندیان\* - کارشناس ارشد معماری گرایش مرمت و احیاء بناها و بافت‌های تاریخی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

سارا ناصری - کارشناس ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

### Urban concept of civil discourse in the public arena heuristic approach, the baths and town halls

#### Abstract

Shows locations of public space and urban disagreeing and agreeing to hold national and religious festivals and bereavements, the exchange of information, communication and interaction among citizens; Public space belongs to all of space (wisdom and collective identity formation) and open to the public. Public space is a reflection of the public sphere, and the two have a reciprocal relationship with each other. Operate freely NGOs, trade unions, social networking, print media and virtual expansion of the public sphere; Developed public sphere can be strengthened by public spaces. It also can improve the quality of public spaces, citizens are invited to attend the participation and dialogue with the public is growing. It should be noted that the democratization of urban spaces possible only through the public areas of the city may be; Areas such as public areas, an area located between civil society and government. What is the general nature of the public and private realms and benefit packages rid. The research study, "descriptive and analytical" approach to the exploration of the concept of civil discourse in public has been phenomenal. At the end of the analytical results to determine the emergence of civil discourse in urban areas is illustrated in detail.

**Keywords:** City Hall, citizen participation, urban public realm, freedom and civil discourse.

چکیده  
فضای عمومی مکان بروز مخالفت‌ها و موافقت‌ها و نمایشگاه‌های شهری، برگزاری جشن‌ها و سوگواری‌های ملی و مذهبی، محل تبادل اطلاعات و ارتباطات چهره‌به‌چهره و تعامل شهروندان است. فضای عمومی مکانی متعلق به همه (شکل‌گیری عقل و هویت جمعی) و گشوده‌به‌روی عموم مردم است. فضای عمومی بازتاب وضعیت حوزه عمومی است و این دو با یکدیگر رابطه دو سویه دارند. فعالیت آزادانه تشکل‌های غیردولتی، اصناف، شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های چاپی و مجازی عامل توسعه و رشد حوزه عمومی است؛ حوزه‌ای که در ظرف فضای عمومی و به واسطه حضور مردم عینیت می‌یابد. حوزه عمومی رشد یافته می‌تواند توسط فضاهای عمومی تقویت شود. همچنین ارتقای کیفیت فضاهای عمومی می‌تواند عامل دعوت شهروندان به حضور، مشارکت و گفتگو بوده و عامل رشد حوزه عمومی شود. باید توجه داشت که مبنای دموکراتیک شدن فضاهای شهری تنها از طریق امکان دهی به عرصه‌های عمومی شهر ممکن می‌شود؛ عرصه‌هایی که حوزه عمومی، حوزه‌ای واقع در میان جامعه مدنی و دولت است و فضای طرح آزاد مسائل عمومی و استدلال و تحقیق درباره آنها و نهایتاً تکوین اراده عمومی را تشکیل می‌دهد. حوزه عمومی در مقابل عرصه آمریت، عرصه فکر، گفتگو، استدلال و زبان است. شرایط مکالمه باز و آزاد در حوزه عمومی، متناسب این اصل است که هیچ فرد یا گروهی نمی‌تواند در خارج از حوزه عمومی یعنی در عرصه قدرت به صورت قانع‌کننده‌ای مدعی شناخت بهتر خیر و صلاح جامعه باشد. حوزه عمومی آنچه را که ماهیتا عمومی است از عرصه‌های بسته و خصوصی و منفعت رهایی می‌بخشد. پرسشهایی از این قبیل که آزادی، عدالت، برابری، عقلانیت و جز آن چیست تنها در حوزه عمومی هر جامعه خاص ممکن است پاسخ داده شده و مورد پذیرش و باور قرار گیرد. روش تحقیق پژوهش حاضر «توصیفی و تحلیلی» است که از رویکردی اکتشافی در تبیین مفهوم پدیداری گفتمانهای مدنی در عرصه‌های عمومی استفاده کرده است. در پایان تنایج تحلیلی مفهوم شناختی نحوه پدیداری گفتمان‌های مدنی در فضاهای شهری به تفصیل بیان شده است.  
**واژگان کلیدی:** تالار شهر، مشارکت شهروندی، عرصه‌های عمومی شهری، آزادی و گفتمان مدنی.

## مقدمه

تجارب اجتماعی وی مستلزم وجود فضا و قرارگاه و کالبدی است که از آن به فضای عمومی تعبیر می‌شود. این فضای اجتماعی است که افراد و گروههای مختلف اجتماعی در آن سهیم‌اند و محل تبادل نظریات و افکار آنهاست. فوروم‌ها، آگوراهای میدانی و تکیه‌ها نشان‌دهنده وجود چنین فضاهایی از دیرباز هستند. اما گاهی ممکن است بر حسب شرایط اجتماعی و سیاسی کالبد این فضاهای تغییر نماید و تبدیل به مکانهای عبور همانند خیابان‌ها گردد. امکان دسترسی آسان، تبادل اطلاعات، تداوم حرکت و حضور گروههای مختلف اجتماعی از خصوصیات این گونه فضاهاست. همچنین از آنجاکه این فضاهای باعث ایجاد تعامل، گفتگو، ارتباط و تبادل اطلاعات میان افراد و کاهش فشار روانی اقشار مختلف می‌گردد، در بالا بردن کیفیت زندگی شهری بسیار مؤثرند. فیلسوفان دموکراتیک نیز بر این باورند که این فضاهای تجلی کالبدی حوزه عمومی، عرصه فعالیت، ارتباط و گفتگوی انسانهای آزاد و گروههای مختلف و همچنین محل شکلگیری حیات مدنی است.

در این مقاله با رویکردی اکتشافی به مفهوم گفتمان مدنی در عرصه‌های عمومی شهری اشاره شده و مواردی چند در این رابطه به عنوان تبیین اکتشافی عرصه‌های عمومی شهری و بروز گفتمانهای مدنی در آن اشاره می‌شود.

**فضای عرصه‌های عمومی شهری**  
عرصه [حوزه] عمومی قبل از هرچیز زندگی اجتماعی ماست که در آن به عنوان شهروندان آزاد و برابر به رسمیت شناخته می‌شود و جماعت سیاسی شکل بگیرد؛ پس از به رسمیت شناخته شدن، حضور، گفتگو و تعامل معنا پیدا می‌کند. بنابراین اساس حوزه عمومی گفتگو و تعامل است (هابرماس، ۱۳۸۴، ص ۵۷). به همین دلیل است که هابرماس معتقد است: دموکراسی اجتماعی با توسعه حوزه عمومی محقق می‌شود (آزاد ارمکی، ۱۳۸۴، ص ۳۱ و ۳۲). فضاهای شهری از آن دسته از فضاهای باز عمومی در شهر هستند که بستر تعاملات اجتماعی بوده و دارای سه شاخص اصلی عرصه عمومی شهری باشند: «عمومی بودن، باز بودن و بستر تعاملات اجتماعی»

امروزه بخش عمده‌ای از شهرها را فضاهای شهری شکل می‌دهند که محل بروز تعاملات اجتماعی و مراودات شهروندی بشمار می‌روند؛ چنانچه «فضای شهری» را می‌توان بخشی از «فضای هستی» تعریف کرد (ستارزاده و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۸). فضای هستی در شاخه‌ای تقسیم‌بندی گردیده است که ارتباط بشر را با یک کلیت فرهنگی و اجتماعی پیوند می‌زند و از این‌رو فضای شهری حوزه‌ای از فضای هستی فلسفی است. فضای شهری در یک تعریف عام، شامل فضای زندگی شهروندانی است که آگاهانه یا ناآگاهانه برای رسیدن به مقاصد مختلف طی می‌شود (پاکزاد، ۱۳۷۵). فضای شهری، فضای خالی بین ساختمان‌ها نیست، بلکه مفهومی است دربرگیرنده محیط کالبدی، فعالیتها، رویدادها و روابط میان آنها (مدنی پور، ۱۳۸۴). بنیان‌های اصلی که فضاهای شهری را شکل می‌دهند، برآیند نیروهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، حقوقی، دینی، سیاسی هستند (ستارزاده و همکاران، ۱۳۸۹). فضاهای شهری دربردارنده شاخص‌های تاریخی هستند و از این‌رو فضاهای شهری، عامل انتقال میراث فرهنگی جامعه در طول زمان هستند (نصر، ۱۳۷۵).

از سویی دیگر، اگرچه گاهی حوزه را عرصه، سیطره، قلمرو و فضا نیز خوانده‌اند. بعضی اندیشمندان فلسفه سیاسی مانند یورگن هابرماس، حنا آرنت، چارلز تیلور و سیلا بن حبیب به آن پرداخته و نظریات مختلفی را رائه کرده‌اند. طرح و تعمیم نظریه حوزه عمومی را می‌توان در ادامه تلاشهای انسان معاصر برای دستیابی به عدالت اجتماعی، حق تعیین سرنوشت و تحقق دموکراسی بررسی کرد. به تعبیر هابرماس حوزه عمومی بخشی از حیات اجتماعی است که در آن شهروندان می‌توانند به تبادل نظر درباره موضوعات و مسائل مهم مربوط به خیر عمومی (مصالح عامه) پردازنند. نتیجه این امر شکل گیری افکار عمومی است. همچنین اساس حوزه عمومی گفتگو و تعامل است و درست به همین دلیل است که (به اعتقاد هابرماس) دموکراسی اجتماعی با توسعه حوزه عمومی محقق می‌شود. پاسخگویی به نیازهای اجتماعی انسان و تأمین فرصت‌های لازم در زمینه کسب

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۷۰

# میر شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۷۱

دی که فرصت ارتباط و تعامل شهروندان را فراهم می‌آورد. این فضاهای در طیف گسترده‌ای وجود دارند، از یک میدان یا خیابان گرفته تا یک پله. فضاهای شهری بخشی از فضاهای باز عمومی شهرها هستند که بستر زندگی جمعی را فراهم می‌آورند. فضاهای عمومی شهری نقش مهمی در زندگی و حیات شهروندان بر عهده دارند. فضاهای شهری بستر و ظرف اینگونه اتفاقات هستند، بالتبع فضاهای و خصوصیات آنها وابستگی شدیدی به نحوه فعالیت و الگوهای رفتاری استفاده کنندگان آنها دارد. فضاهای عمومی شهری در ایجاد حس آرامش، سرگرمی، برقراری ارتباطات و برخوردهای اجتماعی موثر هستند. در جستجوی ماهیت فضا به معنای عام، دو دیدگاه ذهنی و عینی، فلسفی و علمی و یا

کیفی و کمی قبل طرح هستند:

۱. «دیدگاه اول؛ نگرشی کیفی» است، در این نگرش اثر معمارانه یا شهرسازانه، از جنبه‌های زیبایشناختی یا روان‌شناسی مثل زیبایی، مطلوبیت، عظمت، وحدت و یا از باب بعضی مفاهیم اعتقادی و یا متافیزیکی مورد مطالعه قرار می‌گیرد (شیخ زین الدین، ۱۳۷۶)؛

۲. «دیدگاه دوم، نگرشی کمی» است که بیشتر چشم به جنبه‌های ملموس و کاربردی اثر دارد. مواد و مصالح، خصوصیات عملکردی، فن آوری، اندازه‌ها و تناسبات و موضوعات این برخورد به شمار می‌روند. بر همین اساس شهر مقوله‌ای علمی می‌گردد چون ابعاد عینی و کاربردی آن در همه زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، و فضایی با ضوابط و معیارهای علمی قابل سنجش و ارزش گذاری است و به این اعتبار، لازم است به شهر و اجزای فضایی آن مانند یک مقوله علمی نگریسته شود.

از دیدگاه عینی و مادی، فضا و فضای شهری، بستری است که روابط اجتماعی و حیات مدنی در آن جریان می‌یابد؛ روابطی که بر مبنای واقعه‌ها و حادثه‌ها شکل می‌گیرند و حیات مدنی را به حیات واقعه‌ای تبدیل کرده و سبب می‌گردد تا خاطره شکل گیرد و ذهن محل انشاست خاطره‌ها گردد (خاتمی، ۱۳۸۰، ص ۵۴).

فضای شهری فضایی است که زمان و انسان در آن حضور دارند. فضاهایی که در ادوار مختلف ایجاد شده‌اند. با

(پاکزاد، ۱۳۹۰). برای فضای شهری، تعاریف متعددی از جمله فضای زندگی و فعالیت‌های جمعی و اجتماعی، فضای تعاملات و فضایی با تناسبات زیبایی‌شناختی ذکر می‌شود. فضاهای شهری می‌توانند به تناسب فرهنگ و اقیم، فضاهایی سرپوشیده و مسقف نیز باشند؛ بنابراین فضای شهری فضایی عمومی و عام است که دسترسی همگان به آن امکان پذیربوده و به عنوان مفصل فضاهای مختلف و مکان دسترسی به فضاهای عملکردی می‌توان برای فضای شهری ویژگی‌های کالبدی خاصی را تعریف کرد، اما این ویژگی‌ها، ویژگی‌های استانداردی نیستند و در جوامع مختلف تمایزات و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند.

فضای شهری<sup>۱</sup> پدیده‌ای سازمان یافته از اطلاعاتی است که در صور مختلف «فرم، عملکرد و معنا» تجلی می‌یابد. فضای شهری عینیتی است برخاسته از تلفیق روابط اجتماعی، در بستری کالبدی، در زمینه‌ای معنایی و در راستای عملکردی‌هایی مورد نیاز جمعی انسانی. آنچه در شهرهای امروز دیده می‌شود نه فضای شهری که فضاهایی خالی محصول کناره‌نمای قرارگرفتن بناها و تکه‌های باقی مانده از توده‌هایی هستند که کمتر معنا و مفهومی را به ذهن متدادر می‌کنند. شاید اینگونه باشد که در شهر؛ اول ساختمانها ساخته می‌شوند و آنچه باقی می‌ماند، فضای شهری است. مهمترین ابزار درجهت تقویت جامعه مدنی تقویت عرصه‌های عمومی است و اما در میان عرصه‌های عمومی، فضای شهری فضایی است که با ساختار کالبدی و کارکرد اجتماعی اش می‌تواند عرصه مطلوبی برای رشد و بالندگی جامعه مدنی ارائه دهد. فضایی که مکان تعاملات اجتماعی، برخوردهای اجتماعی، تبادلات اجتماعية و محملی برای انواع فعالیت‌هast (حیبی، ۱۳۸۰).

«فضای شهری» مفهومی عام و گسترده است که جنبه‌های مختلف فضا را شامل می‌شود (دانشپور و همکار، ۱۳۸۹). مفهوم فضای شهری و رای فضای باز و رهاسده بین ساختمان‌های شهری است. فضای شهری تنها یک هویت کالبدی نیست بلکه فضایی است عملکر-

1. Urban space

می داند که طی آن کارآفرینان سرمایه دار توانستند برای کسب استقلال از دولت و کلیسا مبارزه کنند و به خواسته خود دست یابند. او در توضیح این مفهوم می نویسد:

حوزه عمومی بورژوازی در وهله اول قلمرویی بود که در آن افراد خصوصی گرد هم می آمدند و «عموم» را شکل می دادند. آن ها به تدریج توانستند حوزه عمومی تحت کنترل دولت را زیر سلطه خود در آورند و اقتدار آن را به چالش بکشند (هابر ماس، ۱۳۸۴، ص ۵۳).

هابر ماس، ابزار اصلی منازعه سیاسی در درون حوزه عمومی را ابزاری جدید و بدون سابقه تاریخی می داند؛ یعنی استفاده عمومی از خرد جمعی. عمدت ترین اشکال نهادی حوزه عمومی که هابر ماس به آنها اشاره می کند عبارتند از: «سالن ها» در فرانسه، محافل ادبی و آموزشی در آلمان و قهوه خانه ها در انگلستان، که محل بحث و مناظره درباره مسائل و موضوعات بودند. این نهادها سه معیار مشترک داشتند:

- ۱- همه شرکت کنندگان در بحث، برابر و هم شأن تلقی می شدند؛
- ۲- مباحث بر موضوعاتی متمرکز بود که به ندرت مورد پرسش اشراف زمیندار قرار می گرفت؛
- ۳- هر کس مجاز به شرکت در مباحث حوزه عمومی بود (لافی، ۲۰۰۷، ص ۴۹).

در راستای مبارزه برای استقلال از دولت به عنوان استراتژی اساسی حوزه عمومی بورژوازی، مبارزه ای طولانی برای تأسیس نشیریات مستقل از دولت شکل



تصویر ۱. میدان سن پیتر، نمونه بارز اولین فضای بروز دموکراسی در فضای شهری؛ مأخذ: آرشیو نگارنده.

توجه به نقش خلاقی که برای پیوند امروز با فردا برای فضای شهری قائل می شوند، تعداد و مصاديق فضای شهری به شدت تقلیل می یابد و محدود می شود. در واقع، اتفاقات خاصی که پیوند بین امروز و فردا را برقرار می کنند، یا اتفاقاتی بزرگ و همه گیر و تاثیرگذار و نادر هستند و یا اینکه به حدی تکرار می شوند که برای همه مردم واحد ارزش و اهمیت فوق العاده ای خواهد شد. به این ترتیب بسیاری از فضاهایی که فضای شهری خوانده می شوند، دیگر فضای شهری نخواهند بود:

♥ برخی از نظرات فقط خیابان و میدان راعناصر اساسی شهر و مصاديق فضای شهری می دانند (توسلی و بنیادی، ۱۳۷۱)؛

♥ گاهی پارکها نیز به عنوان فضای شهری محسوب می شوند (بحرینی، ۱۳۷۷)؛

♥ بعضی نظرات نیز ورودی ها، مسیرها و ساحل را هم جزیی از فضای شهری می دانند (پاکزاد، ۱۳۸۴)؛

♥ همچنین گاهی فضای شهری به مکان ها و محدوده هایی اطلاق می شود که واحد ارزشهای زیبایی شناسانه باشند (توسلی و بنیادی، ۱۳۷۱)؛

♥ تعریف دیگری از فضاهای شهری، آنها را صحنه ای می داند که فعالیت های عمومی زندگی شهری در آن جریان دارند (بحرینی، ۱۳۷۷)؛

♥ تعریفی دیگر از فضای شهر آن را فضایی می داند که در آن ارتباطات ویژه حرکتی و بصری در فضایی با خصوصیاتی خاص موجود فضای شهری است. این خصوصیات به اعتقاد زوکر عبارت اند از: ساختاری سازمان یافته، آراسته و واحد نظم، به صورت کالبدی برای فعالیت های انسانی و استوار بر قواعد معین و روشن (توسلی و بنیادی، ۱۳۷۱).

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۷۲

یورگن هابر ماس در کتاب دگرگونی ساختاری حوزه عمومی به تبیین پیدایش تاریخی اجتماعی افکار عمومی طبقه متوسط و بورژوا و استقلال نسبی آن از سلطنت مطلقه در اروپای قرون هجدهم و نوزدهم می پردازد. وی حوزه عمومی یا به بیان صحیح تر، آن چه «حوزه عمومی بورژوازی» می نامد را زاده ویژگی های اصلی جامعه سرمایه داری روبرشد در انگلستان سده هجدهم

جدول ۱. حوزه اقتدار دولت و قلمرو خصوصی در عرصه‌های عمومی؛ مأخذ: نگارندگان.

حوزه اقتدار	حوزه خصوصی
دولت	جامعه مدنی
(قلمرو «سیاست»)	قلمرو مبادله کالا و کار اجتماعی
دربار	حوزه عمومی ادبی (کلوب ها و مطبوعات)
(محفل اشرافی - درباری)	فضای صمیمی خانواده هسته ای (روشنفکران بورژوا)
گرفت. مطبوعات سده‌های هجدهم و نوزدهم در عین حال که دربرگیرنده طیف‌گسترده‌ای از نظرات بودند، به شکل قابل توجهی خود را متعهد می‌دانستند که مسائل مربوط به پارلمان را به طور کامل پوشش دهند و این نشانه بازی از پیوند مبارزه برای آزادی مطبوعات با مبارزه برای اصلاحات پارلمانی بود. اُبرین با اشاره به آراء هابرماس، سه عنصر اصلی حوزه عمومی را این‌گونه بر می‌شمارد:	
۱. حوزه عمومی به مکانی برای تبادل نظر نیاز دارد که برای همه قابل دسترسی باشد و امکان بیان و مبادله تجربیات اجتماعی و دیدگاه‌ها در آنجا وجود داشته باشد.	
۲. در حوزه عمومی، مواجهه با دیدگاه‌ها و نقطه نظرات از طریق مباحثه عقلانی و منطقی صورت می‌گیرد. به این معنی که انتخاب سیاسی «منطقی» تنها زمانی ممکن است که حوزه عمومی در وهله نخست، شناخت و درک آشکاری نسبت به گزینه‌های ممکن عرضه کند؛ به طوری که هر شخص بتواند از بین آن گزینه‌ها دست به انتخاب بزند. رسانه‌ها باید گسترده‌ترین طیف ممکن چارچوب‌ها یا چشم اندازها را عرضه کنند تا شهروندان نسبت به آن چه که انتخاب نکرده‌اند نیز آگاه شوند.	
۳. بازبینی و نظارت منظم و نقادانه بر سیاست‌های	

دولت، وظیفه اصلی حوزه عمومی است (اُبرین، ۲۰۰۳، ص ۳).

«جدایی جامعه و دولت، باعث جدایی حوزه عمومی از قلمرو خصوصی شد. حوزه‌ی عمومی و حوزه‌ی اقتدار دولت پا به پای هم گسترش می‌یافتدند. درون قلمرو خصوصی، «حوزه عمومی» واقعی قرار داشت، زیرا از افراد خصوصی تشکیل شده بود. بنابراین، در قلمرویی که جایگاه افراد خصوصی بود، باز هم بین حوزه‌های عمومی و خصوصی تمایز وجود داشت. حوزه خصوصی هم شامل جامعه مدنی و هم شامل خانواده‌ای بود که خود دارای «فضایی صمیمی» بود. حوزه عمومی سیاسی از حوزه ادبی نشأت گرفت و موفق شد از طریق افکار عمومی، دولت را با نیازهای جامعه آشنا و سازگار سازد (هابرماس، ۱۳۸۴، ص ۵۸).

باید توجه داشت که مبنای دموکراتیک‌شدن فضاهای شهری تنها از طریق امکان‌دهی به عرصه‌های عمومی شهر<sup>۱</sup> ممکن می‌شود؛ عرصه‌هایی که حوزه عمومی، حوزه‌ای واقع در میان جامعه مدنی و دولت است و فضای طرح آزاد مسائل عمومی و استدلال و تحقیق درباره آنها و نهایتاً تکوین اراده عمومی را تشکیل

گرفت. مطبوعات سده‌های هجدهم و نوزدهم در عین حال که دربرگیرنده طیف‌گسترده‌ای از نظرات بودند، به شکل قابل توجهی خود را متعهد می‌دانستند که مسائل مربوط به پارلمان را به طور کامل پوشش دهند و این نشانه بازی از پیوند مبارزه برای آزادی مطبوعات با مبارزه برای اصلاحات پارلمانی بود. اُبرین با اشاره به آراء هابرماس، سه عنصر اصلی حوزه عمومی را این‌گونه بر می‌شمارد:

۱. حوزه عمومی به مکانی برای تبادل نظر نیاز دارد که برای همه قابل دسترسی باشد و امکان بیان و مبادله تجربیات اجتماعی و دیدگاه‌ها در آنجا وجود داشته باشد.

۲. در حوزه عمومی، مواجهه با دیدگاه‌ها و نقطه نظرات از طریق مباحثه عقلانی و منطقی صورت می‌گیرد. به این معنی که انتخاب سیاسی «منطقی» تنها زمانی ممکن است که حوزه عمومی در وهله نخست، شناخت و درک آشکاری نسبت به گزینه‌های ممکن عرضه کند؛ به طوری که هر شخص بتواند از بین آن گزینه‌ها دست به انتخاب بزند. رسانه‌ها باید گسترده‌ترین طیف ممکن چارچوب‌ها یا چشم اندازها را عرضه کنند تا شهروندان نسبت به آن چه که انتخاب نکرده‌اند نیز آگاه شوند.

۳. بازبینی و نظارت منظم و نقادانه بر سیاست‌های

۲. اما شرط اساسی برای اینکه یک فضای عمومی، فضای شهری تلقی شود این است که در آن تعامل و تقابل اجتماعی صورت گیرد. روی همین اصل، هیبرت، تهراه حل ممکن برای ایجاد ارتباطات عمومی را، نه روزنامه‌ها و سایر ارتباط جمعی، بلکه در حوزه‌ی فعالیت فضاهای همگانی می‌داند (رهنمایی و اشرفی، ۱۳۸۶، ص ۳۰). کوین لینچ اعتقاد دارد فضای شهری صحنه‌ای است که داستان زندگی جمعی در آن گشوده می‌شود و در این فضا فرست آن وجود دارد که برخی مرزهای اجتماعی شکسته شده و برخوردهای از پیش تدوین نیافرته اتفاق افتاده و افراد در یک محیط اجتماعی جدید با هم ارتباط برقرار کنند (همان، ۱۳۸۳، ص ۲۵). از منظر اجتماعی تنها آن دسته از فضاهای باز شهری که کنش اجتماعی در آنها را می‌دهد یا اثرات اجتماعی قابل توجهی دارند، از جمله استراحت و تجدید قوا، معاشرت و تعامل اجتماعی یا خبرگیری و اطلاع رسانی در زمرة فضاهای عمومی بالفعل تلقی می‌شوند (خاتم، ۱۳۸۳، ص ۱۱). حتی به اعتقاد والزر، شخصیت فضای عمومی، زندگی شهری عمومی ما، روند شهر و زندگی روزمره‌ی مارانشان داده و تنظیم می‌کند (رهنمایی و اشرفی، ۱۳۸۶، ص ۲۹). راجرز نیز اهمیت فضاهای عمومی را در شهر به حدی می‌داند که اعتقاد دارد شهرهای بزرگ به واسطه‌ی فضاهای عمومی ایده آل خود شناخته می‌شوند.



فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۷۳

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۷۴

می دهد. حوزه عمومی در مقابل عرصه آمریت، عرصه فکر، گفتگو، استدلال و زبان است. شرایط مکالمه باز و آزاد در حوزه عمومی، منضمن این اصل است که هیچ فرد یا گروهی نمی تواند در خارج از حوزه عمومی یعنی در عرصه قدرت به صورت قانع کننده ای مدعی شناخت بهتر خیر و صلاح جامعه باشد. حوزه عمومی آنچه را که ماهیتاً عمومی است از عرصه های بسته و خصوصی و منفعت رهایی می بخشد. پرسشهایی از این قبیل که آزادی، عدالت، برابری، عقلانیت و جز آن چیست تنها در حوزه عمومی هر جامعه خاص ممکن است پاسخ داده شده و مورد پذیرش و باور قرار گیرد. با رشد حوزه عمومی، حضور آزادانه و مشارکت شهروندان در عرصه های حیات مدنی میسر و هدف دموکراسی متحقق می شود. هدف دموکراسی در اصل دسترسی مردم به قدرت سیاسی و کنترلش به دست آنان است و در این عرصه دسترسی بیشتر اطلاعات [و تبادل آن]، دستمایه تحقق دموکراسی اصیل است زیرا این امر شهروند معمولی را قادر می سازد تا به مشارکت آگاهانه در سیاست پردازد. ظهور نظریه فضا با نخستین جنبش معماری مدرنیستی یعنی آرت نوو، مصادف شد (وان دین ون، ۱۹۹۳). مفهوم فضا برای مدرنیست ها، رابطه ای میان فضاهای درهم چفت و بست شونده شد و این مفهوم به مثابه ذات معماري پذیرفته شد.

زیکرفیدگیدئین در برداشت و تلقی از فضاد ر طول تاریخ معماری، سه مرحله را مطرح کرد:

۱. در مرحله اول که نمونه آن در مصر باستان، سومر و

یونان موجود است، فضای معماری با جابجایی و بازی با حجم ها، ساخته می شد و به فضای داخلی کمتر توجه می شده است.

۲. در مرحله دوم که در نیمه دوران رومیان آغاز شد، فضای معماری متزلف بود با فضای مجوف شده داخل ساختمان.

۳. مرحله سوم که در آغاز قرن بیستم آغاز شد، با برچیدن دید منفرد پرسپکتیوی که منجر به انقلابی بصری شد. اما نقد شهری پست - مدرن به تفکر «یک فضای نامتمايز شده انتزاعی» حمله ور شد (کولکوهن، ۱۹۸۹، ص ۲۲۵).

دیدن فضا به صورت ماده ای با گسترش یکسان که می توانست به شیوه های مختلف شکل گیرد، زیر عنوان «واقع بینی ساده لوحانه» نقد و رد شد (نوربرگ شولتز، ۱۹۷۱، ص ۱۲). یکی از بحث های مهم امروزی در میان متفکران مسائل شهری موضوع فضاهای عمومی در شهر است. این مفهوم در طراحی و برنامه ریزی شهری تحت عنوانی همچون «عرصه عمومی»، «فضای شهری»، «مکان عمومی»<sup>۵</sup> مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

ساده ترین بیان عرصه عمومی در برگیرنده گروه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره است که از متن مردم و فعالیت های آنها ریشه گرفته است؛ به نوعی عرصه عمومی یک عرصه همگانی است که عموم مردم یک شهر حق حضور در آن را دارند<sup>۶</sup>. بر اساس «فرهنگ انگلیسی آکسفورد»، واژه Public به معنای کلی و در اکثر معانی متضاد خصوصی است. همچنین تعریف مربوط یا متعلق به مردم به عنوان یک کلیت، نیز برای آن ذکر شده

### 3. Public Realm 4. Urban Space 5. Public Place

۶. لیپتون، فضای عمومی را با عنوان «اتاق زندگی بیرونی» و «مرکز تفریح و فراغت بیرون از خانه» تعریف می کند. به اعتقاد والزر، فضاهای عمومی فضاهایی هستند که ما با غریبه ها شریک می شویم؛ مردمی که اقوام یادوستان و همکاران مانیستند. آنها فضایی برای فعالیت های سیاسی، اعمال مذهبی، تجارت، بازی و غیره هستند. فضایی برای همزیستی با صلح و برخوردهای غیر شخصی (رهنمایی و اشرافی، ۱۳۸۶، ص ۲۵). کرو سایرین، فضای عمومی را «بستر مشترکی که مردم، فعالیت های کارکردی و مراسمی را که پیوند دهنده ای اعضای جامعه است در آن انجام می دهند» می دانند؛ چه این فعالیت ها روزمره و معمولی و چه جشنواره ای و دوره ای باشند. به عبارت دیگر، فضای عمومی «صحنه ای است که به روی آن نمایش زندگی اجتماعی، در معرض دید عموم قرار می گیرد.» (رفیعیان و سیفایی، ۱۳۸۴، ص ۳۶). در جایی که فضای عمومی توسط گروه های مختلف مردم برای فعالیت های گسترد و متنوع مورد استفاده قرار می گیرد، آن ها می توانند به افزایش هویت جمعی اجتماع کمک کنند. از دیدگاه سیاسی، فضای عمومی جایی است که مردم می توانند در زندگی اجتماعی مشارکت کرده و ادعائند که می توانند نظر خود را بیان کنند.

شهرها بوده است. جامعه مدنی مفهومی است که بنابر مقتضیات زمانی و مکانی تعابیر مختلفی از آن شده است. همچنین جامعه مدنی از منظر مدرنیسم و پست مدرنیسم متفاوت است. در عصری که قطعیت، جزئیت و باید و نبایدهای مدرنیستی جای خود را به نسبیت، انعطاف و می تواندها داده است و جامعه مدنی مبتنی بر کثرت گرایی، گفتمان، مشارکت، فرد باوری و قانونمندی دگربار با مفهومی کاملاً نو رخساره می نماید (حبیبی، ۱۳۷۹).

است. در جدیدترین ویرایش فرهنگ آکسفورد تعریفی مشابه مطرح شده است:

«متعلق یا متوجه مردم به مثابه یک کلیت در دسترس یا اشتراکی برای همه مردم وارائه شده توسط دولت محلی یا مرکزی. به اتكای این تعریف برای مثال خیابانی عمومی، متعلق و مرتبط با تمام مردم به عنوان یک کلیت است، به روی شان باز است، موجودیتی محدود نشده دارد، از طرف دولت ارائه می شود و به آن مرتبط است. این مفاهیم در تعاریف مختلف فضای عمومی بازتاب یافته اند» (مدنی پور، ۱۳۸۴، ص ۲۱۳).

**رفتارهای اجتماعی در فضای شهری**

ایجاد روابط اجتماعی در فضای کالبدی شهر صورت می پذیرد و فضا نقش مهمی در این روابط دارد. نیاز به حضور در فضای شهری و ارتباط رودررو با سایر شهروندان منبعث از ویژگی های روانی انسان ها است. فضای باز شهری به مکانی اطلاق می شود که همه شهروندان بتوانند آزادانه از آن بهره برند و در ارتباط با یکدیگر قرار گیرند (عباس زادگان، ۱۳۸۳). فضای باز جمعی شهری از دیرباز تاکنون بستر کالبدی تعاملات اجتماعی مردم بوده است. فضاهای شهری باید عرصه ای برای حضور تمام گروه های استفاده کننده باشند. هدف از خلق فضاهای شهری، فراهم آوردن فضایی است برای تعامل اجتماعی گروه های مختلف است. «فضای شهری مکانی است که رفتارهای مدنی، اجتماعی در آن جاری می گردد به همین دلیل روابط و مناسبات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجود در بطن جامعه شهری را باید به صورت مجزا بلکه همچون عنصری از ساخت فضایی شهر برشمرد» (ایرانمنش و چیتسازان، ۱۳۸۵، ص ۴۷). فضای شهری را می توان مکان تبلور و تجمع انسان هایی دانست که در این فضای دارای الگوهای رفتاری متفاوتی هستند. انسان در محیط شهری حضور یافته و با فعالیت و تعاملات اجتماعی به کالبد و فضای شهری جا نمی بخشد. اگر فضاهای عمومی نتیجه رضایت بخشی فراهم آورند، آن زمان است که فضاهای عمومی نقش بسیار مهمی در تقویت برخوردهای اجتماعی و کاهش جدایی های اجتماعی بر پایه طبقه اجتماعی<sup>۷</sup>، سن و جنس خواهند

[حوزه یا] عرصه عمومی به مجموعه فضاهای عمومی، قوانین و مقررات مردمی، تشکلهای غیر رسمی [غیر دولتی] همگانی اطلاق می شود که تلاش و کوشش برای شهرروندان برای تعمیم و تثبیت حقوق شهر وندی، کنترل و محدود کردن دخالت های عرصه حکومتی در اداره و مدیریت شهرها، همچنین تلاش برای عمومی کردن برخی از فعالیتها و وظایف تحمیل شده به عرصه خصوصی راسازمان می دهد (مسعودی، ۱۳۸۰). باید گفت که هابرماس بر [حوزه یا] عرصه عمومی نهادینه شده و نه مادی تمرکز داشته و یک عدم تعادل را با دیگری جابجا می کرد در حالیکه آرنست ۳۱ متوجه جهان مشترک مادی و نه نهادها بود. برای هابرماس، نهاد ضروری [حوزه] عمومی، روزنامه نگاری بود. علاقه او این بود که به همین چگونه افکار عمومی در جامعه مدرن توسط رسانه های عمومی شکل می گیرد و چگونه این فرآیند از حالت رودر رو و مناظره عقلانی و منتقدانه (که ویژگی عرصه عمومی در شکل گیری اولیه اش در قرن هجدهم بود) دور شده است. (habermas, ۱۹۸۹) او بر این اساس به ارایه نظریه عمل ارتباطی می رسد که در آن نوعی گفتگو و ارتباط بین افراد را بر اساس مفهوم فراگیر عقلانیت پیشنهاد می کند. (Calhoun, 1992; maccarthy 1978; habermas, 1984; habermas, 1978) برای هابرماس عرصه عمومی در توسعه جامعه مدنی که مبدأ آن در اروپای قرون وسطی متأخر است، ریشه دارد (مدنی پور، ۱۳۸۹، ص ۲۰۱)؛ جامعه مدنی اگرچه مفهومی سیاسی - فلسفی است اما همواره عاملی مؤثر بر ویژگی های کالبدی و فضایی



تصویر ۲. گردشگاه سرپوشیده‌ای از آگورای باستانی تosalonیکی؛  
ماخذ: ویکی‌پدیای فارسی، ۱۳۹۳.

جامعه‌تری از فضای شهری در بین مهندسین شهرساز وجود دارد و آن دیدگاهی است مبتنی بر تطبیق فضاهای شهری با رفتارهای استفاده کنندگان از آن فضای بدنی ترتیب، رفتار شهری و نحوه طراحی و شکل فضای شهری است. از سویی دیگر، الگوهای رفتاری<sup>۸</sup> خود تابعی از فرهنگ جامعه است و فرهنگ جامعه موثر بر نحوه استفاده از فضایی باشد (Rapport, 2002).

فضاهای شهری مطلوب و همانگ با فرهنگ، ویژگی‌ها و نیازهای اجتماعی و مناسب با شرایط محیطی را می‌توان ارزشی انکار ناپذیر در مطلوبیت فضای زندگی شهری امروز به شمار آورد (گلن، ۱۳۸۹). فضای شهری بستره است که حیات مدنی در آن جریان می‌یابد. خصوصیت فضایی در واقع جوهر روابط فرهنگی، اجتماعی و فعالیت‌های شهری و ندان است (فرسایی، ۱۳۸۹). میل به پیوند با دیگران و نیاز به بودن با دیگران، انجیزه‌ای است تا فرد را در بستر فضای شهری شده و در

داشت (Garcia & others, 2004).

نوربرگ<sup>۹</sup> معتقد است که توجه به اثرباری افراد از فضاهای مناسب محیطی، پارک‌ها، مبلمان‌های شهری مناسب و توجه به انعطاف پذیری فضا، استفاده از ایده‌های مناسب برای شکل‌دهی فضاهایی تواند برای رفتارهای شهری و ندوی موثر باشد و فضاهای نامطلوب شهری خود برانگیزاندن رفتارهای ضدشهری نظیر رفتارهای پرخاشگری هستند (Norberg & others, 2005). فضایی که حس تعلق قوی داشته باشد خاطره انگیز بوده و استگی را افزایش می‌دهد و انگیزه حضور مجدد را در افراد بالا می‌برد و از رفتار منفی جلوگیری می‌کند (Diba, 1999). کاپلان<sup>۱۰</sup> فضاهای خطی را تشویق کننده حرکت می‌داند اما زمانی که اطلاعات ناگهانی به فرد می‌دهند سرعت را کم کرده و دلیلی بر ایجاد تعامل<sup>۱۱</sup> می‌گردد (Kaplan, 2002).

برای فهم نقش رسانه‌ها در گسترش حوزه عمومی و گفت و گوی انتقادی و نیز افول حوزه عمومی به واسطه تجاري شدن رسانه‌ها و فزون خواهی مستمر سرمایه داری، آشنایی با سه دوره تاریخی انتشار خبر در نگاه هابرماس ضروری است:

«سامر»<sup>۱۲</sup> نشان داد که فرم محیط اکولوژیک بر تامل و تعامل بسیار تاثیرگذار است و حس مکان مکث یا حرکت را به خوبی القا می‌نماید. فرمهای مقعر پذیراترین فرمها بوده و با ایجاد حریم حس تعلق و مالکیت را افزایش می‌دهد و بیشتر به عنوان فضاهای مکث بلندمدت به کار می‌روند و تعامل در آنها به دلیل چیدمان رو به افزایش است (نصر آبادی و دیگران، ۱۳۹۰). امروزه دیدگاه

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۷۶

جدول ۲. سه دوره آزادی گفتمان مدنی و آزادی انتشار خبر از دیدگاه هابرماس؛ مأخذ: لافی، ۵۰، ۲۰۰۷.

نوع رسانه خبری	محتوای مورد تأکید	دراوازه بانان اصلی / نفوذ
جزوه‌های حاوی اطاعات (خبرنامه)	خبر واقعی	نامشخص
نشریات و گاه نامه‌های انتقادی (هفتنه نامه‌های اخلاقی)	تفسیر/ گفت و گوی ادبی و سیاسی	سردیبر / نویسنده‌ان (حوزه عمومی بورژوازی)
[نشریات با] عنوان مصرف کننده (مانند روزنامه‌های عامه پسند)	آگهی / روابط عمومی	ناشران / مالکان

8. Norberg

9. Kaplan

10. Interaction

11. Sumner

12. Behavioral patterns



تصویر ۳. فوروم، نمادی از فضای عمومی باستانی؛  
ماخذ: آرشیونگارنده.

دسترس همگان قرار داده شده، به تعامل با سایر افراد انسانی و نیز با محیط اطراف خویش و ادارد و در این کنشها و واکنش‌های انسانی و محیطی است که مکان شهری در قالب (فضای شهری) نمایان می‌شود (منصوری و همکاران، ۱۳۹۰). مفهوم تعامل اجتماعی معطوف به مجموعه پویش‌ها، گرایش‌ها و نگرش‌هایی است که بر پایه عقلانی تجمعی، باورهای مردم‌سالاری، خودباوری، خردگرایی و قانون‌گرایی است (پارسی، ۱۳۸۹) و (ستارزاده و همکاران، ۱۳۸۹).

سیاسی، فرهنگی، روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و تلویزیون و دیگر وسایل ارتباطی جمعی است؛ و عرصه دولتی هم دولت و ساختارهای آن است. مطالعات هایبرماس در مورد ظهور حوزه‌ی عمومی بورژوازی کماکان موضوعی مرتبط، باقی مانده است. این بدان دلیل نیست که [این مطالعات] مدلی فراهم می‌کنند که قابل تحقق یا نسخه‌برداری باشند، بلکه [بدان جهت است که] شاید بتوانند اصولی راجع به بهترین عملکرد فرهنگ‌های عمومی ارائه کنند. سازمان نظام مند فرهنگ‌های رسانه‌ای قادر است، چارچوب‌هایی (خط مشی‌هایی) را که هم تنوع فرهنگی و هم الزامات منطقی دارند، به آن دسته‌کسانی که تمایل به شرکت جستن در بحث‌های (گفتگوهای) سیاسی یا فرهنگی دارند، معرفی کند و مورد بازبینی و توجه مجدد قرار دهد. در واقع، در این رویکرد، از شکست‌های [نظام]

#### نظریه‌های سیاسی عرصه عمومی

عمده منابع و متون مربوط به عرصه عمومی در بررسی جایگاه این موضوع در فلسفه و سیاست به «یورگن هایبرماس»<sup>۱۳</sup>، آخرین بازمانده از حلقه فیلسوفان فرانکفورت و «هانا آرنت»<sup>۱۴</sup>، واضح «نظریه توتالیتاریسم»، ارجاع می‌دهند. اینان تا اندازه‌ای به تفکیک قلمرو خصوصی، حوزه عمومی و قلمرو اقتدار عمومی یا دولت پرداخته‌اند. از دیدگاه جامعه شناختی می‌توان جامعه را به سه عرصه تقسیم کرد: عرصه خصوصی، عرصه عمومی و عرصه دولتی.

عرصه خصوصی از آن خانواده است. عرصه عمومی در برگیرنده گروههای شغلی، مذهبی، اجتماعی،

## دری شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۷۷

جدول ۳. ارزش‌های مؤثر بر بروز تعاملات شهری در فضاهای شهری؛ مأخذ: روشن و شکیبائی، ۱۳۹۰.

معیار	زیرمعیار
کالبدی	نفوذپذیری، دسترسی به مراکز مهم، تراکم مناسب، کفاایت خدمات محلی، اختلاط کاربری‌ها، سازگاری و مطلوبیت کاربری‌ها، مقیاس انسانی، شبکه دسترسی، سلسله مراتب فضایی، محصوریت مناسب، خوانایی محیط، پایداری و استحکام بنها و غیره.
اجتماعی و فرهنگی	سرزندگی، هویت و تعلق خاطر، کنترل و نظارت اجتماعی بر فضاهای عمومی، دسترسی عادلانه به فرسته‌ها، محوریت عرصه‌های عمومی، تحقق مشارکت شهریوندان در امور، شکل‌گیری جامعه محلی و غیره.
اقتصادی	بهره‌وری اقتصادی از زمین، هزینه‌های دسترسی به مراکز خدمات و اشتغال، تنوع درآمدی و در نتیجه تنوع مسکن در سطح محله، خودکفایی و خوداتکائی محله یا شهر و غیره.
زیست‌سازی شناسی	کنترل محورها و کریدورها، تنوع بصری، سازگاری بصری، تناوب بصری، وحدت اجزاء، تنوع رنگ، کاربرد عناصر بومی و نمادین
زیست‌محیطی	زمینه سازی برای حفاظت از اکوسیستم‌ها، سبزیگی، کارآیی مصرف انرژی، سیستم دفع پسماندهای خانگی، تعادل محیط طبیعی و مصنوع، عدم آلودگی‌ها، عدم آلودگی صوتی، تراکم بهینه جمعیتی و ساختمنی.

13. Yorgen Hubermas

14. Hanna Arendt

### یورگن هابرمانس و آزادی اجتماعی (گفتمان مدنی)

حوزه عمومی که هابرمانس از آن صحبت می‌کند، حد واسط میان دولت رسمی (اقتدار عمومی) که بر ایزار اعمال خشونت کنترل دارد و حوزه خصوصی است و کارکرد فعال اجتماعی آن وابسته به تمایز قطعی و جدایی این دو حوزه است. از اهداف اولین حوزه عمومی می‌توان نظارت بر دولت و شفاف کردن تصمیمات سیاسی و اداری را نام برد. هر کس بالقوه حق شرکت در این فضای ادارد، و هیچ کس را امتیازی نسبت به دیگران در این فضای نیست، چنین موقعیتی است که نقش «دولتمردان یا عناصر سرمایه‌دار» را هم ارز نقش «شهروندان عادی» می‌کند. حوزه عمومی مورد نظر هابرمانس، ریشه در حوزه خصوصی دارد به این ترتیب در هر گفت و گویی افراد خصوصی گرد هم می‌آیند تا پیکره‌ای عمومی را تشکیل دهند، در این پیکره عمومی می‌توان مسائل و موضوعات مورد علاقه عمومی را به بحث و بررسی گذاشت، عرصه ای که در آن می‌توان اختلاف نظرات آرا و افکار را از طریق

بحث و استدلال منطقی و نه از طریق توسل به جزمیات جاافتاده و یا با توسل به احکام سنتی صادره از سوی عرف و عادات حل کرد. حوزه عمومی در مقابل حوزه‌های تاریک قدرت و منافع خصوصی حوزه روشی است. تنها اثر کامل هابرمانس تا به این تاریخ در زمینه رسانه‌های جمعی، بیانگر فراز و نشیب تاریخی حوزه عمومی بورژوازی است. این اثر علیرغم آنکه در سال ۱۹۶۲ تکمیل گردید، اما تا سال ۱۹۸۹ به زبان انگلیسی چاپ نشد. این [موضوع]، آن‌گونه که توماس مک‌کارتی در مقدمه‌ی «دگرگونی ساختاری حوزه عمومی» در سال ۱۹۸۹ تأکید می‌کند، ماجرایی پیچیده دارد، که به نویسنده‌گان دیگر و اعتقاد عمومیت یافته وی در مورد اهمیت ارتباطات انسانی، کمک می‌کند. نظریه‌ی عمومی بورژوازی، خارج از سیستم فئودالی که اصول مربوط به گفتمان عمومی‌آزاد (باز) در موضوعات جهانی را مورد انکار قرار می‌دهد، توسعه یافت. با وجود آنکه حوزه عمومی در یونان قدیم نیز وجود داشته، اما تا قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی که رشد سرمایه‌داری مطرح گردید، این مفهوم نیز به صورتی متمایزتر مطرح شد. در این دوره دولت، به عنوان حوزه اقتدار عمومی، که ادعای قانونی استفاده از خشونت را نیز داشت، مطرح شد. دولت مدرن می‌توانست آشکارا از جامعه مدنی، چه از نظر قضایی و چه از نظر سازمانی جدا باشد. جامعه مدنی، همان اندازه که از دولت (حکومت) متمایز بود، از دامنه محصولات تولیدی و مبادلات کالایی، همانگونه که در یک خانواده خصوصی وجود دارد، نیز تشکیل می‌شد. در قلمروی اقتدار (استبداد) عمومی و جامعه مدنی، قضایی انتقادی از حوزه عمومی به چشم می‌خورد. هدف حوزه عمومی آن بود که افراد را قادر سازد تا به صورت انتقادی نسبت به خود (حوزه عمومی) و روش‌های اداره حکومت واکنش نشان دهد. حوزه عمومی، در آغاز، خارج از قهوه خانه‌ها و سالن‌هایی که مردان عضو طبقه‌ی بورژوا و افراد برجسته و اندیشمند با یکدیگر راجع به آثار بحث برانگیز ملاقات

سرمایه‌داری لیبرال و ناکامی سوسياليسِ علمی برای استفاده از فرصت‌های جدید برای تحلیل رسانه‌ای، همچون مباحثی که توسط هابرمانس پیشنهاد شد، خبر می‌دهد.

جامعه مدنی درگرو به وجود آمدن شرایط ویژه در هر سه عرصه و در روابط این سه عرصه با یکدیگر است. اما در مقایسه با دیگر جوامع، در جامعه مدنی عرصه عمومی دارای اهمیت زیادی است. هابرمانس در این زمینه با ارائه دو مفهوم «حوزه عمومی، سیطره‌عمومی یا حوزه همگانی»<sup>۱۵</sup> و «کنش مفاهمه‌ای» پایه‌ای فلسفی در رابطه با عرصه عمومی را بنا می‌نمهد. هابرمانس نخستین بار این مفهوم را در ۱۹۶۲ در کتاب «تغییر ساختاری حوزه عمومی»<sup>۱۶</sup> مطرح کرد (هوهندال، ۱۳۸۱، ص ۲۷۳). وی در این راه از «دیالکتیک هگل»<sup>۱۷</sup> و نظرات «مونتسکیو»<sup>۱۸</sup> و «زان ژاک روسو»<sup>۱۹</sup> نیز الهام می‌گیرد.<sup>۲۰</sup>

15. Public Sphere  
16. The Structural Transformation of Public Sphere

17. Hegel  
18. Montesquieu  
19. Roso

۲۰. برای اطلاعات بیشتر ر. ک. به نذری، حسینعلی (۱۳۸۶) بازخوانی هابرمانس. نشرچشم. چاپ دوم. تهران

می‌یابد. مهم‌ترین شاخص حوزه عمومی‌رهایی از حوزه اقتدار دولتی است، از این قرار حوزه عمومی‌حوزه‌ای مستقل و سازمان یافته است که در عین حال که تنظیم رفتار شهروندان و محدود ساختن مداخلات دولتی را بر عهده دارد میانجی مناسبات دولت و اتباعشان نیز هست. تنها در حوزه عمومی جامعه می‌توان اهداف و خواسته‌های معقول را تعیین و دولت و سیاست را عقلانی کرد. فلسفه رای دادن در دموکراسی هم اصولاً این بوده است که افراد بتوانند در حوزه عمومی از طریق استدلال در امور و علائق کلی - عمومی سهمی داشته باشند؛ نه اینکه صرفاً حزبی را به قدرت برسانند.

هابرماس ریشه‌های تاریخی و مکانی ظهور حوزه عمومی را در درون سالن‌ها و مجتمع عمومی بحث‌های آزاد و علنی پیگیری می‌کند. از جمله باشگاه‌ها، کافه‌ها، روزنامه‌ها و مطبوعات که در واقع طلايه دار و پیشگام روشنگری ادبی و سیاسی به شمار می‌آیند. حوزه یا حوزه‌های عمومی در هر فضایی تشکیل می‌شود که در آن تعقل و گفت و گو درباره مسائل عمومی صورت گیرد.

۱. نخست، مبادله اجتماعی که نهایتاً نقد ادبی به سوی نقد سیاسی حرکت کرد و فضایی اجتماعی ای فراهم ساخت، که در آن اقتدار بحث‌های بهترمی توانست در مقابل وضعیت موجود مطرح گردد.

۲. دوم، سطوحی از بحث‌های اجتماعی که به واسطه‌ی فئودالیسم مورد تأیید قرار گرفت و هاله مقدسی "aura" را که توسط کلیسا و صومعه حمایت می‌شد، محوكرد و به طور فزاینده‌ای در طول گفتگوهایی که بدون توجه به وضعیت مشارکت‌کنندگان، صورت می‌پذیرد، مشکل آفرین گشت.

۳. در نهایت، هابرماس می‌خواهد [چنین] بگوید، که جلسه‌هایی که در اروپا، در سالن‌ها و قهوه‌خانه‌ها به ویژه در طول سال‌های ۱۶۸۰ تا ۱۷۳۰ برگزار می‌گردید، به همان اندازه که انحصاری بود، جامع نیز بوده است.<sup>۱</sup>

تراژدی حوزه‌ی عمومی بورژوازی آن بود، که نیروهای بسیار اجتماعی که آن را به وجود آوردند، در نهایت موجب نزول و سقوط آن شدند. گفتگوهای مرسوم در سالن‌ها و قهوه‌خانه‌ها، نشان‌دهنده‌راهی بود که به واسطه‌آن ارتباطات به طور فزاینده‌ای از طریق مؤسسات بزرگ بازرگانی، سازماندهی شد. هرچه حوزه عمومی بیشتر گسترش یابد و هر چه حوزه قدرت بیشتر در آن جذب شود زمینه عقلانی شدن دولت و سیاست بیشتر گسترش

۲۱. هنگامی که این مشخصه‌ها، آشکارا، بخش فعلی را در گفتگوها به صورت انحصاری به خود اختصاص دادند، ادعایی که مطرح گردید، آن بود، که این فعالیت، سخنگوی‌ای مبلغی را برای عموم فراهم کرده است. هابرماس می‌گوید، زمانی که عموم (عامه) کوچک باقی بمانند، اصل گستردگی (عمومیت) شروع به پذیرفته شدن می‌کند. مردان و افراد متمکن و آنهایی که خصیصه‌ی عقلانی شدن در آن‌ها وجود دارد، می‌توانند از طریق مشارکت فعال در حوزه‌ی عمومی، منتفع و بهره‌مند شوند. از طریق اصل عمومیت است که وی ادعایی کند، کاربرد عمومی عقل فراتراز کاربرد خصوصی آن است. هابرماس خاطرنشان می‌سازد، که پی‌گیری حقیقت به واسطه بُعد بین موضوعی است، که هم در جامعه مدنی و هم در دولت (حکومت) انعکاس می‌یابد، که این خود امکانات متمایزی را برای اصلاح روابط نامتقارن قدرت فراهم می‌آورد. بنابراین افراد عضو طبقه‌ی مسلط سرمایه‌داری، این وضعیت تسلط آمیز را از طریق روش‌های ممانعتی حفظ می‌کنند؛ در حالیکه به طور همزمان بسترها فرهنگی ای برای نقد به وجود می‌آورند.

## مدرس شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۷۹

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۸۰

در مقابل سیطره عمومی ادبی قرار می‌دهیم، که بحثهای عمومی، مربوط به موضوعاتی درباره فعالیتهای دولت باشد. هرچند اقتدار دولت اصطلاحاً مجری سیطره عمومی سیاسی است ولی بخشی از آن نیست. یقیناً به طور معمول اقتدار دولت، اقتدار عمومی تلقی می‌شود اما وظیفه مراقبت از رفاه تمامی شهروندان بدأً از همین جنبه سیطره عمومی نشات می‌گیرد. فقط زمانی که اعمال کنترل سیاسی به نحوی کارآمد تابع این خواست دموکراتیک باشد که اطلاعات باید در دسترس عموم قرار گیرد، سیطره عمومی سیاسی از طریق ابزارهای قانونگذار تاثیری نهادی شده بر حکومت می‌گذارد. اصطلاح «افکار عمومی» به وظایف انتقاد و کنترل اشاره می‌کند که پیکره عمومی شهروندان به طور غیررسمی - و به همان سان به طور رسمی در انتخابات دوره‌ای - در رویارویی با ساختار حاکم که در قالب دولت سازمان یافته است، بدان عمل می‌کند. مقرراتی که طالب آنند که برخی از امور در ملاء عام صورت گیرد، برای مثال آنهایی که به برگزاری علنی دادگاهها مربوط هستند به این کارکرد افکار عمومی مربوط می‌شوند. سیطره عمومی به مثابه سیطره‌ای است که میانجی جامعه و دولت است و در آن عموم خود را چونان حاملان افکار عمومی سازمان می‌دهند. تصادفی نبوده است که این برداشتها از سیطره عمومی و افکار عمومی برای نخستین بار فقط در قرن هیجدهم ظهرور کردند. این برداشت‌ها معنای خاص خود را از وضعیت تاریخی انضمایی کسب می‌کنند. در آن زمان بود که افکار<sup>۲۲</sup> و افکار عمومی<sup>۲۳</sup> از یکدیگر تمایز یافتند. هرچند به نظرمی‌رسد<sup>۲۴</sup> (هابرپاس، ۱۳۸۱، ص ۲۶۵-۲۶۶).  
بعداً با حذف حوزه‌ی خصوصی اشخاص از گفتمان سیطره‌ی عمومی سیاسی سخن می‌گوییم و برای مثال آن را

«وضعیت کلامی ایده آل» را در مقابل نظریه‌های اثباتی و تک ذهنی مطرح می‌کند. به طور کلی عمل ارتباطی و کلامی راه حل مسائل مربوط به حقیقت و اعتبار و رسیدن به علایق کلی را تشکیل می‌دهد که این علایق کلی تنها در حوزه سیاسی به مفهوم خاص آن تحقق پذیر است. هابرپاس اصول وضعیت کلامی ایده آل را قواعدی اخلاقی به حساب می‌آورد اما این قواعد که برخاسته از کنش مادر گفتار هستند، تنها از یک باید اخلاقی صرف سرچشم می‌گیرند، بلکه ریشه در واقعیت موجود دارند.

«هابرپاس» در شرح حوزه یا سیطره عمومی می‌گوید: منظور ما از سیطره عمومی در وهله اول قلمروی از زندگی اجتماعی ماست که در آن چیزی شبیه به افکار عمومی می‌تواند شکل گیرد. دسترسی به این قلمروی برای تمامی شهروندان تضمین شده است. در هرگفتگویی که در آن افراد خصوصی گرد هم آیند تا پیکره‌ای عمومی را شکل دهند، بخشی از سیطره عمومی شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی رفتار افراد نه شبیه رفتار تجار یا افراد حرفة‌ای است که در مورد امور شخصی به تبادل نظر می‌پردازند و نه شبیه رفتار اعضای موسسه‌ای قاعده‌مند است که تابع محدودیتهای حقوقی بوروکراسی دولتی‌اند. شهروندان هنگامی به مثابه پیکره‌ای عمومی رفتار می‌کنند که به شیوه‌ای بی قید و شرط و آزاد به تبادل نظر یعنی با تضمین آزادی گردهم‌آیی و مراوده و آزادی بیان و انتشار عقایدشان درباره علایق عام پردازنند. در پیکره‌ی عمومی وسیع این نوع از ارتباط مستلزم ابزار خاصی برای انتقال اطلاعات و تاثیرگذاری برگیرندگان این اطلاعات است. امروزه روزنامه‌ها و مجلات و رادیو و تلویزیون رسانه‌های سیطره عمومی هستند. هنگامی از

مفهوم سیطره عمومی از نظر هابرپاس را نباید با مفهوم «عموم» بعنی افرادی که گردهم می‌آیند یکی دانست مفهوم مورد نظر او متوجه نهاد است که البته از طریق مشارکت مردم شکلی انضمایی به خود می‌گیرد. به هر رو نمی‌توان آن را صرفاً انبوهی از مردم دانست

دولت و سیطره‌ی عمومی برهم منطبق نیستند بلکه با یکدیگر به عنوان خصم روبه رو می‌شوند. هابرپاس سیطره‌ای را عمومی متصور می‌شود که در عهد باستان خصوصی تلقی می‌شد یعنی سیطره ساختن افکار عمومی غیر دولتی.

۲۴. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به هابرپاس، یورگن (۱۳۸۱) سیطره عمومی. ترجمه: هاله لاجوردی. فصلنامه ارگون. شماره ۲۰. صص ۲۷۲-۲۷۶

تقریباً کامل در شهر شرقی و از جمله شهر ایرانی از آن نشانی نیست. مهم‌تر آنکه شهروندی ویژگی بارز و شاید مهم‌ترین خصیصه‌ی شهر در تمدن مورد اشاره تلقی می‌شده است. از این رو شهر برای یونانیان و رومیان بیش از هر چیز اجتماعی بوده از افراد صاحب حقوق. آدمیانی که به علت حقوق، وظایف و مسئولیت‌هایشان این امکان را یافته بودند تابه تجربه‌ی فرصت‌های مختلفی خارج از خصایص قومی و خانوادگی و نزادی و نظایر آن مبادرت کنند؛ فرایندی که به مفهوم اکتساب در مقابل انتساب اهمیتی بین‌الین می‌بخشد (پیران، ۱۳۷۶، ص ۴۱). اگر نگاهی دوباره به شهر در یونان باستان بیندازیم، با عناصر زیر مواجه می‌شویم: آکروپولیس، حصار شهر، آگورا<sup>۲۵</sup>، محلات مسکونی، مکان‌های تفریحی و فرهنگی و یک منطقه‌ی مذهبی (موریس، ۱۳۸۵، ص ۴۱).

در این میان، آگورا فقط یک فضای عمومی در شهر نبوده بلکه مرکز شهر و قلب تپنده‌ی آن محسوب می‌شده است. علی رغم پراکندگی و اختصاصی شدن اجتناب ناپذیر فعالیت‌ها طی زمان، آگورا بخش اعظم فعالیت‌های گوناگون خود را حفظ نمود. این مکان که محل اجتماع همیشگی تمام شهروندان بوده به یکباره به وجود نیامده بلکه صحنه‌ی حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی روزانه‌ی جامعه بوده است. برای یونانیان که سخت درگیر مسائل فکری و ذهنی بودند، زندگی خصوصی پس از فعالیت‌های اجتماعی و در درجه‌ی دوم اهمیت قرار داشت. در شهرهای یونان، مسکن امری فرعی محسوب می‌شده است. آگورا، معابد، تئاتر، ورزشگاه و... در مکان‌های مقدس باستانی و یا محل‌های مناسب و قابل دسترسی قرار گرفته بودند و واحدهای مسکونی فضاهای خالی را پرمی‌کردند. علاوه بر آگورا، در پولیس، محل هایی برای نشستن شهروندان و تبادل نظر و بحث و جدل تعییه شده بود که به نشستگاه‌های شهروندی معروف بودند. خانه یا مکان شورا که در یونانی «بولیتیون» خوانده می‌شد، فضای بزرگی برای گردآمدن و بحث و مشورت و نهایتاً تصمیم گیری (نه فقط اعضاء، بلکه کل شهروندان) محسوب می‌شد (پیران، ۱۳۸۱، ص ۷۱). فضایی چون آگورا،

نهادی، ضمن گفتگو در مورد حوزه عمومی، تأکید بر رشد جداگانه زندگی خصوصی و اجتماعی نیز، مطرح شد. از این نقطه نظر در فرهنگ تجاری که به طور خصوصی از بین رفت، به بحث یا مناظره بیشتری نیاز نداریم. برخلاف فرهنگ مكتوب پراکنده و استدلالی لایهای بورژوا، اغلب رسانه‌های جدید (مثل تلویزیون، سینما و رادیو) به مخاطبان امکان شرکت‌کردن در بحث‌های رانمی دهند. به محض اینکه رسانه‌های جمعی مدرن در بسترهاي اتوماتیک (خودکار) جای می‌گیرند، رشد تکنیکی آشکال فرهنگی جدید برای یک جامعه، بر پایه‌ی آنچه ریموند ویلیامز (۱۹۸۵) خصوصی‌سازی متحرک (privatism Mobile) می‌نامد، اتخاذ می‌گردد. به موازات خصوصی‌سازی فرهنگ، هابرماس اضافه می‌کند که یکسان‌کوچک شمردن تولیدات فرهنگی با هدف کسب سهم بیشتر بازار، صورت می‌گیرد. برای هابرماس، عملکرد بازار به بهترین وجه به عنوان فرایندی دوگانه و ضدونقیض مطرح است که تأثیرات و معانی تسلط‌گرایانه و آزادیخواهانه را، توأمان در خود دارد. برای مثال، بازار کتاب بخش کوچکی از جامعه‌ی خوانندگان را با دسترسی به آثار (متون) باکیفیت، تغذیه می‌کند. به هر روى، کاستن از ورود اين پيش‌نيازها سبب شده است، كه اين متون (آثار) با فرهنگ اوقات فراغت جمعی که نيازمند راحتی و آسيش در دریافت است، انطباق يابند. اين آشکال جمعی فرهنگ، دارای کارکردهای ايدئولوژيکی خاصی هستند. آشکال فرهنگی جدید، موضوعات را با فرهنگ سیاست‌زاده‌که حوزه‌ی عمومی را دور زده، ترکیب کرده‌اند، [درست] در جایی که تقاضاها با حقانیتی که می‌تواند مورد بحث قرار گیرد، پیوند یافته است.

### فضاهای عمومی شهری در ایران و جهان

در بررسی مقایسه‌ای شهرهای تمدن‌های گوناگون به نظر می‌رسد که مفهوم شهروند و شهروندی می‌تواند یکی از وجوده تمایز بین شهرهای یاد شده به حساب آید. در تمدن یونانی- رمی یا در شهر آتنی- رمی، شهروندی واقعیتی غیرقابل انکار بود. امری که حتی تا امروز به شکل

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۸۲

می‌آمد. معبد اصلی، تئاتر و حمام عمومی نیز در نزدیکی فوروم و در مرکز شهر قرار داشتند (موریس، ۱۳۸۵، ص ۶۱). وجود همین فضاهای تمدن غرب بود که موجب شد شهروندان، علاوه بر اختیار داشتن فضایی در مقیاس شهر برای رفع احتیاجات و گذران اوقات فراغت، محمولی یابند که در آن به تبادل اطلاعات پرداخته و ضمن باخبر شدن از وقایع، امکان مشارکت در امور شهر را پیدا کنند. در مقابل چنین نمونه‌ی نظری از شهر، شهر شرقی و از جمله شهر ایرانی در اکثر ادوار تاریخی خود قرار دارد. در این قبیل شهرها، بیش از آنکه شهر به عنوان زیستگاه افراد صاحب حقوق یا به بیان دقیق تراجمان شهروندان به حساب آید، مقر حکومت و جزئی از قلمرو سیاسی محسوب می‌شود (پیران، ۱۳۷۶، ص ۴۸)؛ حال آنکه در فضاهای عمومی شهرهای است که مفهوم شهروندی شکل گرفته و معنا پیدا می‌کند؛ ذهن و فکر شهروند در تأثیر پذیری آزاد است و می‌تواند متناسب با مصالح و منافع خود فکر کرده و عمل نماید. بر عکس این حالت، یعنی بی روح کردن فضاهای عمومی شهر، شهروندان کسل را به گذران اوقات فراغت در درون خانه‌ها می‌کشاند. در این فرایند است که گویا هر یک از ایرانیان به «جامعه‌ای مستقل» تبدیل گشته و یا محفلی کوچک ساخته‌اند و به دور این «جامعه‌ای مستقل» و یا این محفل کوچک، حصاری حصین از رفتار و اعتقاد کشیده و زندگی در اجتماع را برای خود نه یک اصل که یک ضرورت نامطلوب تشخیص داده‌اند. (رهنمایی و اشرفی، ۱۳۸۶، ص ۲۵).

به عقیده‌ی دکتر پیران، زندگی شهری در شهرهای زورمنددار<sup>۲۶</sup> بر عکس شهرهایی که جایگاه شهروندان است، در و عرصه‌ی خلاصه می‌شود: عرصه‌ی خصوصی و عرصه‌ی حکومتی. عرصه‌ی خصوصی که مکان یا فضای خانوادگی را در برمی‌گیرد، عرصه‌ی امن تلقی می‌شود و خارج از خانه عرصه‌ی خصم به حساب می‌آید. در مقابل، شهروندان شهرهای اروپای غربی از زمان تمدن آتنی- رمی با سه عرصه روبرو بوده‌اند: عرصه‌ی خصوصی، عرصه‌ی حکومتی و عرصه‌ی عمومی. وجود عرصه‌ی

نمایانگر عرصه‌ای است خاص شهروندان؛ و این دقیقاً همان چیزی است که به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران، همواره خلاآن در شهر ایرانی، به طور عام، دیده می‌شود. هر چند در برخی دوران، محله‌ها بستری مهیا می‌کردند که افراد بتوانند خارج از محیط خصوصی خانه حضور پیدا کرده و در مکان‌هایی چون مسجد محله و بازار آن به فعالیت هایی پردازند اما نمی‌توان این محلات را فضاهایی پنداشت که هدف اصلی آن ایجاد عرصه‌ای عمومی است؛ به ویژه آنکه جامعه‌ی ایرانی در بسیاری از مواقع با پدیده‌ای به نام محله‌های درستیز مواجه است که موجب می‌شود محله‌هایی ویژه‌ی یک قشر خاص قومی یا مذهبی پدید آید و شهر، همواره از داشتن عرصه‌ای عمومی برای همه‌ی شهروندانش محروم بماند. عرصه‌ای که همان طور که اشاره شد، از عناصر اصلی شهر یونانی بوده و پس از آن در شهر رومی نیز دیده می‌شود. در روم باستان نیز مشارکت، حق هر شهروند محسوب می‌شده است. «مشارکت مردمی» در قوانین روم به نام «ساییوز»<sup>۲۷</sup>، بالاترین پایگاه اجتماعی را داشت. قبل از ۲۱۲ میلادی، مشارکت مردمی، خاص گروه ویژه‌ای از افراد بود. پس از ۲۱۲ بعد از میلاد، برای نخستین بار حق مشارکت به همه‌ی ساکنان امپراطوری روم تعیین داده شد (سیف الدینی، ۱۳۷۶، ص ۴۱). باید توجه داشت که در دادن حق مشارکت به همه‌ی ساکنین امپراطوری از سوی کاراکالا<sup>۲۸</sup>، امپراطور، هدف فقط به وجود آمدن حس تعهد نسبت به مفهوم حق مشارکت نبود؛ بلکه کاهش شورش در استان‌ها، افزایش مالیات و قدرت بخشیدن به ارتش نیز مورد نظر بود. دادن حق مشارکت به مردم در عمل باعث ایجاد حس تعهد به امپراطوری شد. بنابراین، دو ارزش اساسی مشارکت یعنی «حق مشارکت» و «ایجاد حس تعلق» در تمدن غرب شکل گرفت. نکته‌ی جالب توجه در بررسی شهر رومی، وجود عنصری به نام فوروم، مشابه رومی آگورای یونانی است. معمولاً فوروم از یک صحن با ستون‌هایی در اطراف آن و یک سالن جلسه‌ی مستقر در یک سوی آن به وجود

26. Cives  
27. Caracalla

۲۸. اصطلاحی که ایشان برای شهر ایرانی در اکثر دوره‌های آن به کار می‌برند.

**حمام‌های شهری**

امروز هم حمام عمومی در غالب نقاط ایران وجود دارد، منتهای فرقش با حمام‌های قدیم این است که در حمام‌های قدیم از خزینه استفاده می‌شد؛ ولی در حمام‌های عمومی جدید دوشاهی متعدد جای خزینه را که به هیچ وجه منطبق با اصول بهداشتی نبود گرفته است. در حمام‌های عمومی خزینه‌دار که امروزه در ایران کمتر وجود دارد سنن و آدابی را از قدیم رعایت می‌کرند که بعض‌جانبه ضرب المثل پیدا کرده است.<sup>۲۹</sup> یکی از آن آداب این بود که هر کس وارد حمام می‌شد، برای اظهار ادب و تواضع نسبت به افراد بزرگتر که در صحن حمام نشسته، مشغول کیسه‌کشی و صابون زدن بودند، یک سطل یا طاس بزرگ آب‌گرم از خزینه حمام بر میداشت و بر سر آن بزرگتر می‌ریخت. البته این عمل به تعداد افراد بزرگ و قابل احترام که در صحن حمام نشسته بودند تکرار می‌شد. و تازه وارد وظیفه خود می‌دانست که بر سر یکایک آنان با رعایت تقدم و تأخیر آب‌گرم بریزد. بسا اتفاق می‌افتد که یک یا چند نفر از آن اشخاص مورد احترام در حال کیسه‌کشیدن و یا صابون زدن بودند و احتیاجی نبود.

عمومی که به شهر وندان تعلق داشته است و محل بروز و شکل گیری علایق جمعی است آنان را به شهر علاقه مند می‌سازد و بخش عمده‌ی گذران اوقات فراغت در این عرصه اتفاق می‌افتد. عرصه‌ی عمومی همچنین محل تصمیم گیری جمعی در باب شهر است و نظر شهر وندان در تحولات فیزیکی شهر جایگاهی ویژه دارد و حتی برای کوچکترین و به ظاهر بی ارزش ترین امور باید به نظرسنجی از اهالی هر محل پرداخت و رضایت آنان را جلب کرد (همان، ص ۵۰). نکته‌ای که باید در اینجا به آن اشاره کرد این است که مراد از ضعف مشارکت در جامعه‌ی ایران، مشارکت مدنی به عنوان شهر وند صاحب حقوق است و نباید از این غافل شد که ایرانیان، از دیرباز، در زمینه‌های فرهنگی و به ویژه مذهبی همکاری و مشارکت چشم‌گیری داشته‌اند.<sup>۳۰</sup> آنچه مورد تأکید این بحث است ایجاد عرصه‌ای است که شهر وندان بتوانند در آن جمع شده و به جز گذران اوقات فراغت و فعالیت‌هایی از این دست، از واقعی مختلط باخبر شده، در تصمیم‌گیری‌ها تأثیرگذار باشند و حق اعتراض و اظهارنظر به آن‌ها داده شود.

۲۸. نمونه‌ی بی بدیل آن هشت سال جنگ تحمیلی است.

۲۹. بی فایده نیست که اطلاعات زیر درباره حمام‌های قدیم و آداب حمام رفت، از نوشه شادروان علی جواهر کلام نقل شود: «در عهد قاجاریه حمام رفت در فصل زمستان کار دشواری بود و غالب مردم اوخر پاییز حمام می‌رفتند و تا شب عید رنگ حمام را نمی‌دیدند. این وضع منحصر به ایران نبود، فرنگیها هم تا پیش از جنگ‌های صلیبی اصلاً اطلاعی از حمام نداشند و همین که ایام جنگ‌های صلیبی به شرق آمدند با حمام آشنا شدند. مع ذالک باز هم تا مدتی بعد از آن حمام نرفتن در فرنگستان مدبود و مشهور است که یکی از ملکه‌های فرانسه همیشه افتخار می‌کرد که پنج‌سال است به حمام نرفته است. حمام‌های قدیم معمولاً چند متر از سطح کوچه و بازار پایینتر بود؛ چون اگر غیر از این می‌بود آب به خزانه سوار نمی‌شد. سر در حمام شکل دیورستم و یا شیطان و مالک دوزخ رانقاشی می‌کردند و هنوز هم بنده فلسفه آن را نفهمیده‌ام که نقش شیطان و دیورستم، با سر در حمام، چه مناسبت دارد. در هر صورت چندین پله پایین می‌رفیم تا به سرینه یارختنک می‌رسیدم. بینه یک حیاط سرپوشیده‌ای بود که وسط آن حوض بزرگی قرار داشت. اطراف بینه سکوهای بلندی دیده می‌شد که در آنجا رخت می‌کنند. استاد حمامی در کنار یکی از آن سکوها یا بالای یکی از سکوها می‌نشست و جعبه دخل را هم بغل دستش می‌گذاشت. از سقف بینه چراخ بزرگ سوز و گاهی هم چهلچراغ تا بالای حوض آویخته بود. دور تا دور سکوهای رختنک تیر می‌گذاشتند و به آن تیرها گویه‌ای شیشه‌ای رنگارنگ می‌آویختند. یک تغار (کاسه بزرگ سفالین) محتوی آلو و آب آوروی چهارپایه نزدیک حوض بود و چندین کاسه کوچک با قاشقهای چوبی پهلوی تغار می‌گذاشتند. در ایام زمستان به جای آب آلو، لبو و آب لبورا با کمی سرکه توی تغار می‌ریختند. علاوه بر استاد حمامی یک نفر به نام جامه دار یک نفر به اسم مشت و مالچی و یک نفر هم به عنوان پادو در سرینه حضور داشتند و تا مشتری وارد می‌شد، پادو کفش مشتری را زیر سکومی گذاشت و یک لنگ خشک روی سکو پهن می‌کرد. مشتری که لخت می‌شد، پادو یک لنگ دیگر به او می‌داد. مشتری آن لنگ دوم را به کمر می‌بست. لیسانسی را توی آن لنگ اول می‌پیچید و از سکو پایین می‌آمد. از دلان تاریکی می‌گذشت، و در حمام رامی گشود و توی حمام می‌رفت. در اینجا چند شاه نشین و چند ایوان و چند طاق نما و یک حوض کوچک آب سرد بود و کارگران داخل حمام عبارت بودند از چند دلاک و یک پادو، آبگیر و دوسه پادو....»

آن آب حمام تعارف می‌کرد. برای تازه وارد مهم و مطرح نبود که افراد داخل خزینه از آشنایان هستند یا بیگانه، به همه از آب مفت و مجانی تعارف می‌کرد و مخصوصاً نسبت به افراد بیگانه بیشتر اظهار علاقه و محبت می‌کرد زیرا آشنا در هر حال آشناست، و دوست و آشنا احتیاج به تعارف ندارند. در هر صورت این رسم از قدیمترین ایام یعنی از زمانی که حمام خزینه به جای آب چشم و رودخانه در امر نظافت و پاکیزگی مورد استفاده قرار گرفت، معمول گردید.

این نکته جالب هم ناگفته نماند که ایرانیان تا عصر قاجاریه توی خزانه حمام نمی‌رفتند، زیرا به گفته مورخ معاصر شادوران رحیم زاده صفوی همه حمامهای ایران، درهایش بسته بود و یک روزنه به نام آخرورمی ساختند که به خزانه متصل بود و از آنجا آب برداشته خود را

که آب گرم به سرو بدن آنها ریخته شود، مع ذالک این عوامل مانع از ارادی احترام نمی‌شد و کوچکترهای بمحض ورود به صحن حمام خود را موظف می‌دانستند که یک طاس آب گرم بر سرو بدن آنها بریزند و بدن وسیله عرض خلوص و ادب کنند. از آداب دیگر در حمام عمومی خزینه‌دار قدیم این بود که اگر تازه‌وارد کسی از آشنايان و بستگان نزدیک و بزرگتر از خود را در صحن حمام می‌دید، فوراً به خدمتش می‌رفت و به منظور اظهار ادب و احترام او را مشت و مال می‌داد یا اینکه لیف صابون را به زور و اصرار از دستش می‌گرفت و پیشش را صابون می‌زد. سنت دیگر این بود که هر کس وارد خزینه حمام می‌شد به افرادی که شست و شومی کردند سلام می‌کرد و ضمناً در همان پله اول خزینه دو دست را زیر آب کرده، کمی از آب خزینه بر می‌داشت و به یکایک افراد حاضر از



[www.qazvin.ir](http://www.qazvin.ir)

تصویر ۴. گرمابه‌های قدیمی محلی برای مراودات شهروندان و ایجاد کننده فضایی برای گفتگو میان آنها بوده است که بسیار بروز فعالیتها و حرکتهای مردمی در طول تاریخ بوده است؛ عکس: گرمابه عمومی قجر، مأخذ: سایت شهرداری قزوین، ۱۳۹۳.

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۸۴



تصویر ۵. گرمابه‌ای عمومی در شهر تبریز؛ مأخذ: سایت تابناک، ۱۳۹۳.

تظاهرات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی - اقتصادی جامعه تبدیل می‌شوند. مکان بروز مخالفتها و موافقتها و نمایش‌های شهری، مکان برگزاری جشن‌ها و سوگواری‌های ملی و مذهبی و دیگر حادثه‌ها و اتفاقات شهری (حبيبي، ۳۷۹ ختة)

می‌شستند. در آن زمان مردم توی خزانه نمی‌رفتند و درهای خزانه‌ها فقط قرن گذشته باز شد و موجب کنافت گرمایه‌ها گشت. پیش شرط کارایی جمعی فضاهای عمومی شهر، نمود یافتن یک ذهنیت دموکراتیک و عاری از حس تجسس است. در شهرهای توسعه نیافته، افراد در فضای عمومی شهر احساس «آزادی» نمی‌کنند. فضای عمومی در این گونه شهرها مملو است از افراد بیکار، کنجکاو، انواع و اقسام دوره‌گردها و...؛ بنابراین حضور در فضای عمومی نه تنها آرامش بخش نیست بلکه پریشانی ذهنی و عدم آسودگی را به همراه می‌آورد. پس به مرور از کسانی که برای کسب «آرامش ذهنی» از آن استفاده می‌کنند، تهی می‌شود و دربست به بیکاران، معتمدان و دوره‌گردها اختصاص می‌یابد. در شهرهای امروزی که بیشتر محله‌ها از بین رفته‌اند فضای عمومی مشوق با هم بودن، ایجاد پیوندهای اجتماعی جدید و ممانعت از انفجار و گسیختگی بافت اجتماعی، محلی برای حضور، دیده و شنیده شدن همه صدای رشد افکار عمومی، شکل‌گیری هویت و خرد جمعی و تجلی دموکراسی در جوامع متکثراست.

چنین فضاهایی به اعتبار اینکه مکان سرمایه‌گذاری‌های مشترک فرهنگی - اجتماعی و روانی - عاطفی (کلیه اقسام اجتماعی) خواهند بود، ذهنیت جامعه مدنی را عینیت خواهند بخشید؛ چنین فضاهایی امکان کالبد یافتن اندیشه‌ها، بروز رفتارهای اجتماعی و شکل‌گیری مردمی را فراهم آورده و روابط شهروندی را تسهیل می‌نمایند و به مکانهای کار، تفریح، تبادل اطلاعات،

تالار شهر، ساختمانی است که در بسیاری از شهرهای جهان، نقش کلیدی را در برگزاری همایش‌ها، جشن‌ها، تئاترها، کنسروت‌های موسیقی، نمایشگاه‌ها و پیش از همه‌ی این‌ها در جای دادن فعالیت‌های رسمی و غیر رسمی مدیریت شهری ایفا می‌کند. ساختمانی که ممکن است قدیمی (همانند تالار شهرهای لیورپول، کلن، ولینگتون و منچستر) و یا جدید (سیاتل، لندن و توکیو) باشد. اما قطعاً یکی از ویژگی‌های مشترک اکثر تالار شهرهای مهم جهان، ایجاد بسترهای مناسب برای جلب حضور شهروندان است که در رایج‌ترین حالت، دارای فضایی باز با معماری زیبا و اصیل می‌باشد. در تعریف تالار شهر می‌توان گفت: «بنایی شاخص، با ویژگی‌های منحصر به فرد معماری، که علاوه بر جای دادن شهردار و کارمندان و همچنین شورای شهر در خود، در ایده‌آل‌ترین حالت، با مجموعه‌ی درون و پیرامونش به عنوان یک فضای مطلوب شهری، پذیرای شهروندان و همچنین میزبان رویدادهای شهری است.»

در ادامه و به منظور آشنایی بیشتر با تالار شهر و کارکردهای آن در سایر نقاط جهان، تالار دو شهر که اتفاقاً هر دو پایتخت کشورهای خود می‌باشند معرفی می‌شود. در ابتدا تالار شهر ولینگتون به عنوان یک تالار قدیمی (با بیش از یکصد سال سابقه) در شهری کوچک و نسبتاً کم جمعیت و پس از آن، تالار شهر لندن به عنوان یک تالار مدرن و جدید‌الاحداث در یک شهر بزرگ. ذکر این نکته لازم است که هدف از معرفی این دو تالار شهر، محدود نمودن کارکردهای این عنصر و فضای مهم شهری به کارکردهای ذکر شده در این دو نیست؛ بلکه بیشتر، آشنایی با مفهوم تالار شهر و استفاده‌ی مناسب از آن با توجه به مسائل و ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی شهرهای ایران مدنظر است.



تصویر ۶. پارک آب و آتش تهران، عرصه خصوصی کوچک توسط چند دوست می‌تواند در وسط فضای عمومی شکل گیرد؛ مأخذ: آرشیو نگارنده.

## دری شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۸۵

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۸۶

ولینگتون و تالار شهر آن: شهر و لینگتون<sup>۳۰</sup>، پایتخت کشور نیوزیلند و جنوبی ترین پایتخت جهان است. این شهر، میزبان بسیاری از موزه ها، تئاترها و فستیوال های هنری از جمله جشنواره دوسالانه هنرهای است. ولینگتون همچنین مرکز صنایع پیشرو، مانند فیلم سازی و فناوری های کامپیوتری و مرکز مبادله کالا (بندر) در نیوزیلند است. این شهر در محاصره زیبایی های طبیعی از جمله «زیلندیا»<sup>۳۱</sup> و برندهی جایزه «اکو-جادبه»<sup>۳۲</sup> به فاصله ای تنها چند دقیقه از مرکز تجاری شهر (CBD) می باشد (پایگاه رسمی شورای شهر و لینگتون).

این شهر در سال ۲۰۱۰ به عنوان دوازدهمین شهر جهان از نظر کیفیت زندگی انتخاب شد. در سال ۱۹۷۵، شهردار ولینگتون (مایکل فاولر)<sup>۳۳</sup> تصمیم به ساخت تالار شهر جدید گرفت. او قصد داشت تالار قدیمی را تخریب کرده و به پارک عمومی تبدیل کند! دو سال بعد، کار ساخت تالار جدید شهر آغاز شد ولی به دلیل نامناسب بودن زمین، احداث فنداسیون بیش از دو سال به طول انجامید.

سرانجام شورای شهر تصمیم به حفظ و ترمیم تالار قدیمی گرفت. یکی از مهم ترین عواملی که اعضای شورا را مجبور به حفظ تالار قدیمی کرد، وجود سالن کنسرت بزرگ و معروف تالار شهر بود. در ۳۱ دسامبر سال ۱۹۹۰، درهای تالار شهر برای تعمیرات اساسی بسته شد. مقاوم سازی ساختمان در برابر زلزله از مهم ترین قسمت های پروژه بود. این تخریب و بازسازی، بسیاری از ویژگی های اصلی ساختمان را که زیرگچ بری ها پنهان شده بود آشکار کرد. پس از دو سال، سرانجام در سال ۱۹۹۲ و در جشنواره بین المللی هنرها، تالار شهر بازگشایی شد.

در صد سال گذشته، اتفاقات و فعالیت های بسیاری در تالار شهر انجام شده است: مهمانی های شهری، مراسم باله، نمایشگاه های مختلف (نمایشگاه گل و...)، بازار چه های گوناگون، مسابقه بوکس، اعطای درجات نظامی و دانشگاهی، رسیتال ارگان های مختلف، ارکستر علاقه ای خود را انتخاب و همچنین دلیل انتخاب خود را عنوان کند. سرانجام در ۲۶ فوریه ۱۹۹۹، طرح نهایی انتخاب شد. برنده، یکی از پیشو اترین مهندسین مشاور معماری در لندن بود (فاستر و همکاران).<sup>۳۴</sup> کار ساخت

30. Wellington

31. Zealandia

۳۴. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: گوهري پور، حامد، نظام مدیریت شهری و تالار شهر ولینگتون، ساترپ (نشریه تخصصی انجمن علمی شهرسازی دانشگاه هنر تهران)، شماره ۱

35. Oxo Tower

36. Foster & Partners

32. Eco-Attraction

33. Michael Fowler

# دریس شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۸۷

بحث محلی و توافق جمعی و آزادانه (براساس ملاکهای عام مورد توافق جمع) تدوین شود. همچنین فرآیندهای تصمیم‌گیری در دستگاههای اداری (بوروکراسی دولتی) باید تحت نظرات عمومی قرار گیرد و محدود شود. حوزه عمومی‌ماهیتی ایستا و مرزهایی مشخص ندارد و در هر مکالمه‌ای که اشخاص خصوصی گرددم آیند تا جمعی تشکیل شود که به مسئله‌ای علاقه مند است بخشی از حوزه عمومی‌شکل می‌گیرد. آرن特 در مقدمه وارد شدن به بحث حوزه عمومی از عمل انسانی صحبت به میان می‌آورد و نظریه‌ی وی در باب حوزه عمومی بیشتر به سیاست پیوند می‌خورد.

عضو دیگر مکتب فرانکفورت، که حضور عقایدش به وضوح در اثر هابرماس پیرامون حوزه‌ی عمومی، نمایان می‌باشد، والتر بنیامین است. مارکس به‌واسطه‌ی تأثیر فناوری جدید (کارگر مرده) در قبال فرآیندهای کارگری (کارگر زنده) مورد توجه قرار گرفت. اما بنیامین (۱۹۷۳) ذهن خود را به تأثیر باز تولیدهای مکانیکی [نسخه‌های ماشینی] در مقابل شاهکارها هنری و پذیرش‌شان، معطوف ساخت. از آنجاکه مطبوعات گوتنبرگی تولیدات فرهنگی را دگرگون ساخته بود و این دگرگونی نه تنها نسخه‌های چاپی جمعی را دربرمی‌گرفت، بلکه شامل عکس‌ها و فیلم‌ها نیز می‌شد، چنین گفته می‌شد که شاهکارهای اصیل، بن‌مایه‌ی روح خود را از دست داده‌اند. به دلیل پیشرفت در تکنیک‌های تولید، جابجایی بعد فرهنگی در فرآیندهای پذیرشی افزایش

تالار شهر در سال ۲۰۰۰ آغاز و پس از ۳۰ ماه، در جولای ۲۰۰۲ افتتاح گردید. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های طرح انتخابی، کارایی آن از نظر مصرف انرژی بود و امروز، این ساختمان به عنوان الگویی برای سایر ساختمان‌های دوستدار محیط زیست در لندن شناخته می‌شود. این ساختمان شبشهای، از هیچ وسیله‌ی گرمایشی و سرمایشی استفاده نمی‌کند.

## بیان یافته‌های تحقیق

اصل اساسی حوزه عمومی آن است که افراد بدون اینکه تابع اجراء باشند، آزادانه به طرح دیدگاههای خود می‌پردازند و افکار و عقاید خصوصی و درونی خود را علی‌می‌کنند. وقتی موضوع این بحثها، سیاستها و عملکردهای دولت با قوانین و قواعد کلی ناظر بر جامعه باشد، حوزه عمومی سیاسی شکل می‌گیرد. به اعتقاد هابرماس اگرچه حوزه عمومی در عصر حاضر تضعیف گشته و کارکردهای نقادانه آن دچار استحاله شده است اما ایده اساسی آن، یعنی تجمع آزادانه و فارغ از اجراء افراد خصوصی برای بحث درباره سیاستها و امور مورد علاقه عموم و کمک به شکل‌گیری افکار عمومی و به عبارتی «عقلانی‌کردن اقتدار» از طریق مشارکت در بحث علی‌و عمومی، هنوز زنده است و می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.<sup>۳۷</sup> این امر به معنی تلاش در جهت تغییر در ساختار درونی سازمانها و گروه‌ها (اعم از گروه‌های نفوذ، و احزاب) به نحوی است که سیاستهای آنها بر اساس

۳۷. آدورنو به مقاله‌ی بنیامین با دفاع از پیشگامان و همچنین نقده صنعت فرهنگ، پاسخ داد. (جمسون، ۴۱: ۱۹۷۷) تنها، شاهکارهای صورت‌گرایی که برای توده، دست‌نیافتنی بودند، قادر شدند تا در مقابل منطق تغییر شکل داده‌ی سرمایه‌داری تازه، ایستادگی‌کنند. تخریب و نابودی بعد فرهنگی، که بنیامین بر تأثیر بالقوه آزادی بخش آن تأکید می‌ورزد، از دیدگاه آدورنو فقط سبب تولید مصرف‌کنندگانی با هارمونی نامتنااسب می‌شود. (آدورنو، ۳۸۰: ۱۹۹۱) علیرغم مخالفت‌های آدورنو، بنیامین به نزول گفتمانی روح آثار، بادیدی مثبت می‌نگرد. ابزارهای تکنیکی باز تولید، به ویژه از طریق رسانه‌های جدید، دیدگاهی دموکراتیک تروآشکالی جمعی - مشارکتی از تولید و پذیرش فرهنگی را عرضه کرد. بنیامین چنین بحث را ادامه می‌دهد، که اگر رشد قدرت‌های فرهنگی تولید با دگرگونی در روابط اجتماعی همراه شود، این موضوع دورنمای ایستایی هنر را در حمایت و حفاظت از آثار برگزیده ارتقا می‌بخشد. اما وی عمیقاً به صورتی ضد و نقیض زدودن ابهامات از آثار هنری را مورد توجه قرار می‌دهد. این امر بدان دلیل بود، که هنرهای زیبا، پایان شیوه‌ی پیچیده‌ی تجربه‌گرایی را نشان می‌داد. بنیامین، با دیگر اعضای مکتب فرانکفورت اولیه، دائم‌در این اندیشه بودند، که هنرهای زیبا، اگر به صورتی شایسته در برگیرنده‌ی تعهدی آینده‌نگرانه از فراهم ساختن شادی باشند، امکان پیشرفت تعالی را فراهم می‌کنند. اما علاوه بر این بنیامین بحث را، در راستای سخنان برشت و در مخالفت با آدورنو و هورکلیمر، چنین ادامه می‌دهد، که کمونیست‌ها می‌کوشند تا هنر را سیاسی کنند. این موضوع به‌واسطه‌ی خطرات بسیار زیادی که می‌توانست زیایی شناسی آشکار سیاست فاشیسم برای انسان‌هارادر پی داشته باشد، بروز یافت.

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۸۸

را، در مقام استعداد سوژه‌های عینی و تجسم یافته، نقطه آغاز خود قرار می‌داد. استعداد دیگری که مشاهده گران باید به آن چنگ زند، درک مشترک یا عقل سلیم<sup>۴۳</sup> است، چراکه بدون آن نمی‌تواند داوری هایشان را به اشتراک گذارند یا بر صفاتِ یگانه فردی چیره شوند. کانت براین باور بود برای اینکه داوری‌های ما معتبر باشند، باید از شرایط خصوصی یا تک- ذهنی خود به نفع شرایط عمومی و بین الذهانی فرا رویم، و ما با توصل به درک جماعتی<sup>۴۴</sup> خود، عقل سلیم خود، قادر به این کار هستیم. به دلیل وجود فضاهای عمومی شهری است که امکان ازاد اندیشه و گفتمان‌های مدنی در شهر شکل می‌گیرد؛ چنانچه مثلاً آگورا فضایی در یونان است که اولین رگه‌های دموکراتیک به عنوان یک حکومت در یونان شکل می‌گیرد و در همین آگورا مردم آزادانه عقاید خود را ابراز می‌کنند. نگاهی به تحول فرمی آگورای آتن از عهد باستان، دوران کلاسیک یونان تا دوران هلنیستی و رومی نشان می‌دهد که این فضای قبل از آنکه فرمی کالبدی یابد وجودی عملکردی داشته است و کالبد به تبع عملکرد شکل گرفته است (رضازاده، ۱۳۸۳). در روم باستان فوروم جانشین آگورا می‌شود. فوروم مرکز اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تفریحی روم است. در این دوران شاهد بروز اتفاق دیگری در عرصه فضاهای عمومی هستیم. فضاهای تفریحی در مقیاس بزرگ ساخته می‌شود و مردم قسمت عمده‌ای از وقت خود را در این فضاهای می‌گذرانده‌اند. یک دیدگاه ساخت این فضاهای از طرف حاکمان رومی را به دلیل ایجاد رضایت در میان مردم و در نتیجه کاهش احتمال انقلاب‌ها علیه دستگاه حکومتی می‌داند. کلوسئوم<sup>۴۵</sup> و حمام کاراکالا<sup>۴۶</sup> از نمونه این فضاهای هستند. در قرون وسطی تجمع و

یافت. با توجه به نظر بنیامین، نزول سبک‌های اسطوره‌ای هنر و دسترس پذیری عمومی تر آن، دورنمای معمولی شدن هنر، به طور ضمنی، مشارکتی ترشدن آن را افزایش داد. در رسانه‌های جدید، به طور قابل ملاحظه‌ای – به واسطه‌ی کاربرد تکنیک‌های پیشرفت‌های تولید - از اقتدار آثار اصیل، کاسته شد. برای مثال، در زمینه‌ی عکاسی، [این موضوع] مبحثی مختصر راجع به نسخه‌های اصیل (اصلی) را، در صورتی که تمام نسخه‌ها دارای کیفیت مشابه باشند، به وجود آورد. این شکل سرراست تراز تجربه، به افراد عادی این امکان را می‌دهد، تا به کارشناسانی در فرم‌های فرهنگی عامه‌پسند تبدیل گردد.

یکی از دیرپاترین خدمات آرن特 به اندیشه سیاسی را می‌توان در تأملاتش درباره داوری<sup>۴۷</sup> یافت که واپسین سال‌های حیاتش را دربر می‌گرفت. نظریه ناتمام آرن特 درباره داوری، به همراه نظریه عمل، میراث محوری او برای اندیشه سیاسی قرن بیستم را نشان می‌دهد. می‌بایست برخی جنبه‌های کلیدی نظریه داوری وی را واکاوی کنم، سپس جایگاه آن را در ساختمن کلی نظریه سیاست آرنت بررسی خواهم کرد.<sup>۴۸</sup> این در نگاه اول، ممکن است انتخابی گیج کننده به نظر برسد، زیرا خود کانت فلسفه اخلاقی و سیاسی خود را بر خرد عملی.<sup>۴۹</sup> بنیان نهاد نه بر استعدادهای زیبایی شناختی ما [انسان ها]. با این وجود، آرنت باور داشت که نقد قوه حکم<sup>۵۰</sup> در بردارنده فلسفه سیاسی نانوشتۀ کانت بود، و بخش اول آن، نقد داوری زیبایی شناختی، ثمر بخش ترین بنیان برای بنانهادن نظریه‌ای درباره داوری سیاسی بود، زیرا از نقطه نظر مشاهده‌گر داوری کننده<sup>۵۱</sup> [داوری زیبایی شناختی] با جهان نمودها سروکار داشت و استعداد ذوق

### 38. judgment

۳۹. مطلب حاضر بخشی از مدخل Hannah Arendt در دانشنامه فلسفی استنفورد است. نویسنده مدخل، مائوریتز پاسرین دانترو (Maurizio Passerin d'entreves) یک آرنت‌شناس بر جسته است که کتابی نیز با عنوان فلسفه سیاسی هانا آرنت Arendt) (Political Philosophy Hannah Arendt) دارد. متن کامل مقاله دانترو در دانشنامه فلسفی استنفورد را در واقع می‌توان خلاصه‌ای از کتاب او درباره آرنت دانست. نکته بالهیت درباره نگاه دانترو به هانا آرنت این است که دانترو، برخلاف میل خود آرنت، وی را یک فیلسوف سیاسی می‌داند.

### 40. practical reason

41. the Critique of Judgement  
42. the judging spectator  
43. sensus communis

### 44. community sense

45. Colosseum  
46. Caracalla

# میر شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۸۹

۱- فضای عمومی و شکل‌گیری محل خاطره از مهمترین ویژگیهای فضاهای عمومی بشمار می‌رond. فضای عمومی محل خاطره است: فضای شهری بستره است که حیات مدنی در آن جریان می‌یابد؛ واقعه‌ها و حادثه‌ها رخ می‌دهند، واقعه‌ها و حادثه‌هایی که حیات مدنی را به حیات واقعه‌ای تبدیل کرده و سبب می‌گردند تا خاطره شکل گیرد و ذهن محل انباشت خاطره گردد. خاطره هیچگاه بی واقعه در خیال نقش نمی‌بندد و آن چه در ذهن و آن زمان یا حادثه پایان می‌پذیرد و روزها و سالها از آن می‌گذرد، آن چه در ذهن باقی می‌ماند، فضایی است که واقعه یا حادثه در آن رخداده است، فضایی خالی از ماده‌ولی مملو از صورت (حبیبی، ۱۳۷۸).

گرچه ایده‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی (از تمرکز بر ملاحظات محیطی- رفتاری تا تأکید بر گسترش پیاده مداری) نسبت به فضای عمومی وجود دارد (کاشانی جو، ۱۳۸۹)؛ اما آنچه بیشتر در این بحث مورد اهمیت است دیدگاه‌هایی با رویکرد تقویت تعاملات اجتماعی هستند. به اعتقاد ریچارد راجرز فضای عمومی عامل مشوق [حضور] اجتماعی و تحرک در شهرها است. یا گل، معمار و شهرساز دانمارکی که محور اصلی پژوهش خود را برروی تعامل مسایل جامعه شناسی و روانشناسی با فضای همگانی شهری متتمرکز نموده معتقد است جذابیت یک شهر را می‌توان با توجه به انبوه مردمی که در فضاهای همگانی آن گردهم می‌آیند و وقت خودشان را در آنجا می‌گذرانند، شناسایی کرد (پاکزاد، ۱۳۸۶)؛ دیگر نظریه پرداز بر جسته که البته بدون اینکه معمار یا شهرساز باشد در حوزه مسایل اجتماعی و روان شناسی در فضاهای شهری تاثیرگذار بوده و بیلیام رایت می‌باشد. در نظر او رفتار مردم در فضاهای شهری به صورتی عجیب غیرقابل پیش‌بینی است و آنچه از هر عامل دیگری مردم را به خود جذب می‌نماید حضور سایر افراد در فضا است (کاشانی جو، ۱۳۸۹). بنابراین فضای عمومی فضایی گشوده به روی عموم است، فضایی که می‌تواند مایین ساختمنها (همچون خیابان و پیاده‌رو) باشد یا محوطه محدوده‌ای طراحی شده برای جذب مردم و یا احترام به شأن اجتماعی آنها. گاهی فضای عمومی می‌تواند در ترکیب با یک بنای عمومی تبدیل به پاتوقی شهری شود

گردهم آیی مردم در صحن جلوی کلیسا اتفاق می‌افتد. در پاره‌ای موارد یک یا چند ساختمان حکومتی نظیر ساختمان شهرداری، وکتابخانه عمومی نیز در اطراف این فضا قرار می‌گیرد. میدان سن مارکو و نیز، میدان کامپو شهر سیه‌نا، میدان مرکزی شهر بولونیا فعالترین مراکز شهر بوده که عمدۀ جمعیت شهر در طول روز را به خود جذب می‌کرده و بالطبع میزان تصادم آراء و ادراک‌ها بیشتر بوده است. در دوران رنسانس و باروک نیز این روند ادامه داشته و تغییرات فرمی در فضاهای عمومی صورت می‌گیرد ولی جوهره فضا یعنی فعالیت‌ها هنوز ثابت است. عرصه‌های عمومی و خصوصی فضاهای شهری شهرهای قدیم ایران پیش از آنکه از پیامدهای ورود به دوره مدرن متأثر شوند، در متن شهرهایی آیینی تحقق می‌یافند. در این گونه شهرها، آیین‌ها، عادات، سنت و خاطرات جمعی مردم مهمترین عناصری هستند که بنیان شکل گیری عرصه‌های عمومی و خصوصی را تشکیل می‌دهند. بخش قابل توجهی از جریان زندگی درون خانه‌ها سپری می‌شد. از این‌رو، برخلاف فضای شهری امروزی که تمامیت اغلب عرصه‌های عمومی را شامل می‌شود، فضای شهری در یک بافت سنتی، تنها و وجهی از روابط حاکم بر عرصه‌های عمومی را در بر می‌گرفت. مفهوم فضای شهری در شهرهای قدیم ایران عمده‌تاً در قالب معابر باریک و میادین یا گشایش‌های کوچک و بزرگی که در مسیر این معابر و غالباً در محل تقاطع آنها به وجود می‌آمد، مجسم می‌شد. در این گشایش‌ها عمولاً بسترهای شهری، اعم از معماری و نماسازی بدنه‌ها، غلظت و تراکم بیشتری می‌یافت. بدین ترتیب نوعی ترجیح و تنوع ارگانیگ و در عین حال معنی دار در معماری فضای شهری پدید می‌آمد که عرصه را برای درنگ و ارتباط شهری فراهم می‌ساخت (صفامنش، ۱۳۸۴، ص. ۷۵).

در واقع فضای عمومی (از هر نوع همچون میدان، کافه یا خیابان) نماینده تعلق جمعی، مبادله اجتماعی و برخورد غیررسمی است. در اینجا عمومیت یک مکان، مسأله‌ای [درباره] اینکه چه کسی مالک آن است، نیست. بلکه [مسئله بر سر] حس زندگی عمومی‌ای است که تولید می‌کند (تانکیس، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۴).

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۹۰

همین دلیل موقعیت‌هایی فراهم می‌آورند تا بتوانند آن را تجربه کنند. رابطه اجتماعی با اهداف خاص صورت می‌گیرد، یا عاطفی است که شامل دوستی، خوبی‌باوندی و روابط همسایگی است یا عقلانی است که در جست و جوی به حداکثر رساندن شانس افراد در رسیدن به هدف است. نظام فرهنگی و روابط اجتماعی به هم پیوسته‌اند. بدین معنی که برقراری و تداوم روابط اجتماعی سبب تقویت ارزشها و هنجارها یا فرهنگ می‌شود؛ و از سوی دیگر، فرهنگ شرایط و نحوه شکل‌گیری روابط اجتماعی را تعیین می‌کند. رابطه اجتماعی و فرهنگی در فضای اتفاق می‌افتد. بنابراین فضا مجموعه‌ای از روابط اجتماعی و فرهنگی میان گروه خاص و مکان خاص را دربر می‌گیرد. این روابط مدت زمان خاصی دارد، بنابراین زندگی اجتماعی در فضا و زمان واقع شده و توسط آن محدود می‌شود. نوع روابطی که در فضا برقرار می‌شود و شدت آن، به فضامعنی می‌دهد (طالبی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۲). قوام و دوام جامعه به روابط اجتماعی و کمیت و کیفیت آن بستگی دارد. روابط اجتماعی اشکال متنوعی به خود می‌گیرد که در قالب دو الگوی کلان روابط مبتنی بر تفاهم و روابط مبتنی بر تضاد قابل دسته بندی است. عوامل متعددی بر هر یک از الگوهای روابط اجتماعی و کیفیت آن موثر است. روابط اجتماعی به عنوان یک فرایند در شهرهای بزرگ با وجود کثیر جمعیت و افزایش مدام آن و همچنین با گسترش گروه‌های اجتماعی و سازمان‌های

همچون فضای عمومی پیوسته با طاق دفانس یا ژرژپمپیدوی پاریس، یا تالار شهر تورنتو. در این فضاء، قلمرو مشترک شهروندان، عرصه‌ای برای تعاملات و کنشهای اجتماعی معطوف به خیر عمومی و زمینه‌های لازم برای تأمین حقوق اجتماعی شهروندان و حل مشکلات جمعی فراهم می‌شود. فضایی که در نتیجه حضور آزادانه مردم در آن نوعی گفتگوشکل می‌گیرد.

۲- فضای عمومی می‌تواند به متابه فضای گفتگو فرض شود. اگرچه فضای عمومی، فضای تعامل و گفتگو است اما باید درباره چیستی گفتگو، احساس نیاز به آن و فضای گفتگو تأمل کرد. گفتگو، با سخن گفتن، سخنرانی، مباحثه یا مناظره متفاوت است. گفتگو فراتر از تبادل اطلاعات و برخورد چهره به چهره یار و بدل اخبار روزمره است. محصول یک گفتگوی پر ثمرکه به منزله ملاقات دو روح، برخورد دو اندیشه و دیدار دو جان است تنها مبادله اطلاعات نیست بلکه نتیجه آن تغییر در واقعیات موجود و خلق واقعیت‌های نو، ارتقای مخاطبین به ترازهای معرفتی جدید و پدید آمدن منظره‌ای تازه برای سیر در عرصه‌های نظر و عمل است ... توجه گستردگه به گفتگو به متابه یک روش یا ابزار که می‌تواند در اندیشه و عمل مخاطبان تأثیر بگذارد، امری نو پدید است (پوریا، ۱۳۷۱) در فضای گفتگو آگاهی به ظهور می‌رسد و فضای عمومی باید فضای گفتگو و آگاهی باشد.

افراد به برقراری رابطه اجتماعی نیاز ذاتی دارند و به



تصویر ۷. فضاهای عمومی شهری به متابه فضاهای گفتگو محل تعامل شهروندی و ایجاد ارتباط شفاهی و بستر شکل گیری خاطرات و محمول برگذاری آداب و آیین‌های جمعی بشمار می‌روند؛ مأخذ: آرشیو نگارندگان.

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۹۱

راپاپورت لزوم آگاهی از چگونگی کنش منقابل انسان و محیط را به هنگام سازماندهی هرگونه محیط شهری متذکرمی شود.

برای سهولت چنین مطالعه‌ای بافت محیط شهری را به اجزای ساختاری اش تجزیه کرده و آنها را در قالب چهار سازمان طبقه‌بندی و معرفی می‌کند:

۱- «سازمان محیط فضایی محیط»: به اعتقاد او روابط متقابل در محیط‌های فیزیکی، در وهله اول فضایی اند. زیرا اصولاً مردم و اشیا از طریق جدایی توسط فضا با یکدیگر ارتباط دارند.

۲- «سازمان مفهومی محیط»: که با مفاهیمی که از طریق فرم‌ها، جنس‌ها و اجزای کالبدی محیط درک می‌شوند ارتباط دارد. در اینجا تاثیرات نشانه‌ها، رنگ‌ها، دورنمایها، مصالح وغیره مورد توجه قرار می‌گیرند.

۳- «سازمان زمانی محیط»: به معنی شدت و ریتم فعالیت‌های انسانی و سازگاری یا عدم سازگاری آنها با یکدیگر است. به اعتقاد راپاپورت، مردم همان طورکه از نظر فضایی از یکدیگر جدا هستند، از نظر زمانی هم می‌توانند مجزا باشند.

۴- «سازمان ارتباطی محیط»: شامل ارتباط محیط و مردم و ارتباط مردم و مردم در محیط است. از نظر راپاپورت در محیط‌های شهری، این سازمان از درواه قابل درک است: پیوستگی با سیستم‌های جابه جایی و ابزارهای ارتباطی مثل تابلوها و هم چنین روابط انسانی رودرو (پرونده، ۱۳۷۲، ص ۱۵۰).

گوناگون پیچیده‌تر می‌شود. گاه گسترش این رویدادها به پیامدهایی منجر می‌شود که بالقوه برای تمامی جامعه شهری مخرب است. در این شهرها تعاملات انسان‌ها

بسیار زیاد است و به همان نسبت که جمعیت افزایش می‌یابد، ناهمگنی نیز زیادتر می‌شود. برخی از صاحبنظران به ابعاد مثبت این خصیصه اشاره می‌کنند که

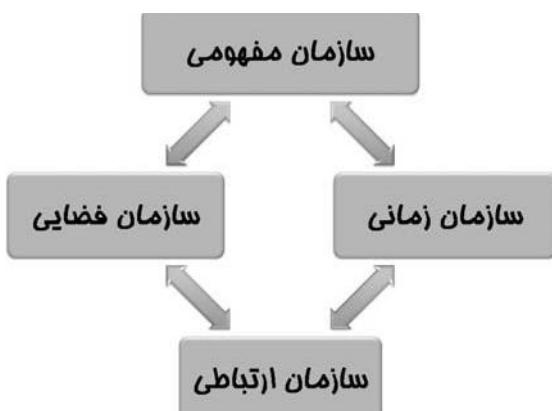
بر طبق آن شهر زمینه‌ای مساعد برای گونه‌های جدید زیستی و فرهنگی ایجاد کرده و مردم نه به دلیل هم‌فکر و همگن بودن، بلکه به دلیل تفاوت‌شان از یکدیگر به حال هم مفید واقع می‌شوند. سودمندی و کارایی در روابط

بین افراد شهر به پیشرفت‌های ترین شکل خود در قالب حرفة‌ها و مشاغل تخصصی متعدد قابل مشاهده است. تخصصی شدن بر پایه وجود بازاری گستردگی، صورت می‌گیرد که به نوبه خود بر تقسیم‌کار متکی است. در میان

اندیشمندان علوم رفتاری که به موضوعات شهری توجه کرده‌اند، امس راپاپورت فردی است که با طرح موضوع کنش متقابل انسان و محیط را مطرح کرده است. به نظر او هر محیط شهری مجموعه‌ای از ارتباط متقابل میان عناصر محیطی و مردم است، ارتباطاتی که از الگوهای معینی پیروی می‌کنند و به این اعتبار معمولاً قابل پیش‌بینی و سازماندهی اند. راپاپورت دو ویژگی بر اینگونه محیط‌ها قائل می‌شود:

۱- «اول- تعداد محیط‌ها»: هر محیط شهری مجموعه‌ای از محیط‌های فیزیکی، اجتماعی، فرهنگی وغیره است.

۲- «دوم- پیوند میان تغییرات محیط فیزیکی با دیگر محیط‌ها»: با کسب چنین شناختی، در گام بعدی،



نمودار ۱. سازمان‌دهی عرصه‌ها و محیط شهری بر اساس دیدگاه امس راپاپورت؛ مأخذ: نگارنده.

## مدرسه شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۹۲

### نتیجه‌گیری و جمعبندی

باید گفت که حوزه عمومی شامل دو بُعد متمایز اما به هم وابسته می‌شود. اولین بعد عبارتست از فضای نمای (space of appearance)، فضایی برای آزادی و برابری سیاسی که با عمل ورزی هم نوا و مشترک شهروندان با میانجیگری سخن و اقناع، به وجود می‌آید. بُعد دوم جهان همگانی (common world) است، جهانی مشترک و عمومی متشکل از مصنوعات، نهادها و محیط‌های انسانی که ما را از طبیعت جدا می‌کند و بسترهای نسبتاً دائمی و ماندگار برای فعالیت‌های ما فراهم می‌سازد. هردو بُعد برای پرداختن به شهروندی ضروری اند، اولی فضاهایی ایجاد می‌کند که شهروندی می‌تواند شکوفا شود، دومی فراهم کننده پس زمینه‌ای استوار است که فضاهای عمومی عمل و هم‌اندیشی می‌تواند از آن ظهر کند.

۱. «فعال‌سازی مجدد شهروندی»: فعال‌سازی مجدد شهروندی در دنیای مدرن هم به بازیابی یک جهان همگانی و مشترک و هم به ایجاد فضاهای نمود پرشماری که در آن افراد می‌توانند هویت‌های خود را مکشوف سازند و روابط دوچانگی و همبستگی برقرار کنند، بستگی دارد. حوزه عمومی، و حوزه سیاست به طور عام، سه ویژگی دارد که برای درک آرن特 از شهروندی محوری است. این‌ها عبارتند از:

۰ کیفیت مصنوعی (artificial) یا برساختی (constructed),

۰ کیفیت فضایی (spatial), و  
۰ تمایز میان عالیق‌عمومی و خصوصی. در مواجهه با ویژگی اول، همواره بر مصنوعیت حیات عمومی، و فعالیت‌های سیاسی به طور عام، این امر که آن‌ها انسان-ساخته و برساختی هستند نه طبیعی یا از پیش داده شده، تأکید می‌کرد. این مصنوعیت را به مثابه مسئله‌ای قابل ستایش باید دانست و نه تأسف برانگیز. سیاست پیامد پیش‌زمینه‌ای طبیعی، یا تحققِ خصلت‌های ذاتی طبیعت بشری نیست؛ بلکه، دستاورده فرهنگی قاعده نخست، قادر ساختن افراد به فرارفتن از ضروریات زندگی و شکل دادن به جهانی برای شکوفا شدنِ فعالیت و گفتار سیاسی آزاد، بود. تأکید بر مصنوعیت سیاست چند پیامد

مهم دارد. برای مثال، آرن特 تأکید می‌کرد که اصل برابری سیاسی بر مبنای نظریه‌ای درباره حقوق طبیعی یا درباره شرایط طبیعی مقدم بر بنیانگذاری (constitution) قلمرو سیاسی، قرار ندارد؛ بلکه، [برابری سیاسی] صفت شهروندی است که افراد با ورود به قلمرو عمومی کسب می‌کنند و فقط می‌توان آن را با نهادهای سیاسی دموکراتیک حفظ کرد. پیامد دیگر تأکید آرن特 بر مصنوعیت حیات سیاسی در رویگردانی وی از هرگونه توسلِ نشو-رومانتیک به مفهوم خلق (volk) و هویت قومی به مثابه بنیانی برای جماعت سیاسی مشهود است. وی اصرار داشت که هویت قومی، مذهبی، یا نژادی ربطی به هویت یک فرد به عنوان شهروند ندارد، و هیچ‌گاه نباید بدل به بنیان عضویت در یک جماعت سیاسی شود.

۲. «کیفیت فضایی حیات عمومی»: دومین خصیصه مورد تأکید کیفیت فضایی حیات عمومی، با این امر که فعالیت‌های سیاسی در فضایی سیاسی قرار دارند که شهروندان قادرند با یکدیگر ملاقات کنند، عقایدشان را مبادله کنند و درباره تفاوت‌هایشان به مباحثه نشینند و به منظور رسیدن به یک راه حل جمعی برای مشکلات شان جستجو کنند. سیاست، مسئله مردمانی است که در یک جهان مشترک و یک فضای نمود مشترک با هم سهیم اند بطوری که امکان ظهور و صورت بندی دغدغه‌های عمومی از نظرگاه‌های مختلف فراهم می‌شود. کافی نیست که مجموعه‌ای از افراد خصوصی داشته باشیم که جداگانه و بی نام بر اساس عقاید خصوصی شان رأی می‌دهند؛ بلکه، این افراد باید قادر باشند ببینند و با یکدیگر در ملاعام صحبت کنند، یکدیگر را در یک فضای سیاسی - عمومی ملاقات کنند، بطوری که ظهور تفاوت‌ها و شباهت‌هایشان و بدل شدن آن‌ها به موضوع مباحثه دموکراتیک ممکن می‌شود.

۳. «افکار سیاسی عمومی و گفتمان و آزادی مدنی»: تصور یک فضای عمومی مشترک به ماکمک می‌کند تا دریابیم چگونه ممکن است عقاید سیاسی شکل بگیرند بی آن که به ترجیحات خصوصی و منحصر بفرد، از یک سو و به یک عقیده جمعی بی نام، از سوی دیگر، تقلیل پذیر باشند. عقاید نماینده‌وار تنها هنگامی می‌توانند ظهور کنند که

# دریافت مشارکت

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۹۳

می‌کنند. دریافت مشارکت- محور آرن特 از شهروندی به طور خاص در این بستر با معنا است زیرا شرایط استقرار هویت‌های جمعی را صورت بندی می‌کند. به هنگام نظر کردن به شهروندی به مثابه فرایند هم اندیشی فعال درباره هویت‌های متخصص، ارزش آن در امکان استقرار اشکالی از هویت جمعی قرار دارد که می‌توان آن‌ها را به شیوه‌ای برهانی و دموکراتیک تأیید، آزمایش و متحوال کرد.

۷. «مدخله سازی اجتماعی»: با نگاه به مسئله عاملیت سیاسی، مهم است که بر ارتباطی که میان عمل سیاسی، به معنای دخالت فعال شهروندان در قلمرو عمومی، و کاربست عاملیت سیاسی موثر برقرار می‌کند، تأکید شود. این ارتباط بین عمل و عاملیت یکی از خدمات اصلی درک مشارکت-محور از شهروندی است. طبق نظر آرن特، دخالت فعال شهروندان در تعیین امور جماعت شان نه تنها برای آن‌ها تجربه آزادی عمومی و شادی همگانی، بلکه حس عاملیت و کارآبی سیاسی را نیز به وجود می‌آورد- در بیان جفرسون، حس مشارکت داشتن در حکومت. تنها به وسیله مشارکت سیاسی مستقیم، یعنی به وسیله شرکت در عمل مشترک و هم اندیشی جمعی است که می‌توان شهروندی را تصریح کرد و عاملیت سیاسی را به شکل کارآمدی تحقق بخشد.

۸. «نقش فضاهای شهری در جنبش‌های اجتماعی»: شاید از نخستین باری که عبارت دانش انفورماتیک به کار گرفته شد چند دهه گذشته باشد، اما هیچ وقت به قدر سالیان اخیر این مفهوم برای ما الهام بخش و چالش برانگیز نبوده است. امروزه عبارتی چون فضای مجازی و شبکه اطلاعاتی مضاف بر هر مضاف علیه‌ی به کار گرفته می‌شود. تجارت، خرید و فروش، دوستیابی، آموزش، سرگرمی و یا هر عبارتی که در روزمرگی ما بسامد داشته باشد با افزوده شدن لفظ مجازی یا الکترونیک، معنایی مضاعف و ویژه می‌یاد. به همین علت است که روشنفکران و نظریه‌پردازان در هر حیطه‌ای، تغییرات و کنش‌های موضوع تخصصی خود را در سالهای اخیر با نسبتی که با امر مجازی پیدا می‌کند تعریف و سنجه‌ش می‌کنند. نگاهی به تحولات اجتماعی در همین چند سال گذشته، نقش این ابررسانه را نه تنها آشکار بلکه شهروندان حقیقتاً در یک فضای عمومی با یکدیگر رویارو شوند، به گونه‌ای که بتوانند موضوعی را از چند چشم انداز مختلف بیازمایند، دیدگاه هایشان را اصلاح کنند و نقطه نظر خود را برای دربرگرفتن نظرگاه دیگران گسترش بخشنند.

۴. «کیفیت فضایی، گفتمان مدنی و آزادی اجتماعی»: دلالت دیگر تأکید بر کیفیت فضایی سیاست به مسئله چگونگی اتحاد مجموعه‌ای از افراد متمایز برای تشکیل یک جماعت سیاسی است. نزد آرن特، اتحادی که ممکن است در یک جماعت سیاسی به دست آید نه پیامد وابستگی مذهبی یا قومی است، نه تجلی یک نظام ارزشی مشترک؛ بلکه، اتحاد مورد بحث را می‌توان با به اشتراک‌گذاری یک فضای عمومی و مجموعه‌ای از نهادهای سیاسی، و شرکت در کنش‌ها و فعالیت‌هایی که خصلت آن فضا و آن نهادها هستند، به دست آورد.

۵. «شهروندی، عاملیت، و هویت جمعی»: درک مشارکت-محور از شهروندی، بهترین نقطه آغاز را برای پیش‌کشیدن هر دو مسئله بنیانگذاری هویت جمعی و شرایط کاربست عاملیت سیاسی موثر ایجاد می‌کند. یکی از مسائل حیاتی مورد بحث در گفتار سیاسی عبارتست از ایجاد یک هویت جمعی، یک ماکه بتوانیم هنگام مواجهه با مسئله تصمیم‌گیری درباره جریان‌های متنوع عمل، به آن چنگ زنیم. از آن رو که در گفتار سیاسی همواره پیرامون جریان‌های محتمل عمل اختلاف وجود داشته، هویت‌مایی که قرار است از طریق شکل خاصی از عمل ایجاد شود، بدل به مسئله‌ای مرکزی می‌شود. در حقیقت، با مداخله در این یا آن جریان عمل خواسته ای را به نمایندگی از یک ما ثبت می‌کنیم؛ به عبارت دیگر، ما شکل خاصی از هویت جمعی را می‌سازیم. از این لحاظ، عمل و گفتار سیاسی برای بنیانگذاری هویت‌های جمعی ضروری اند.

۶. «هویت‌سازی سیاسی فضاهای عمومی و آزادی مدنی»: با این وجود، این فرایند هویت‌سازی هرگز یک بار برای همیشه معین نمی‌شود و هیچ‌گاه ساده نیست؛ بلکه، این یک فرایند مذاکره مجدد و مبارزه دائمی است، فرایندی که در آن عمل و زمان برداشت‌های متخصص از هویت فرهنگی و سیاسی را صورت بندی کرده و از آن‌ها دفاع

#### جدول ۴. هنجارهای طراحی فضاهای شهری مردمدار؛ و مبتنی بر دموکراسی عرصه‌های عمومی.

هنجارهای کیفی فضاهای شهری مردمدار	هنجارهای کیفی پاسخ‌دهنده‌گی محیطی	ویژگی‌های عمومی مردمداری
استفاده از کاربری‌های مختلط - سازگاری - گوناگونی - تنوع استفاده - همگان	استفاده از کاربری‌های مختلط - سازگاری - گوناگونی - تنوع استفاده - محیطی برای همه - تنوع - اطباق پذیری	به رسمیت شناختن آنثر عقاب
- آزادی حرکت در فضا	- آزادی انتخاب - تامین آزادی غیران پیاده	به رسمیت شناختن آزادی فردی
- ارائه گزینه‌های فضایی متعدد به استفاده‌کنندگان	قرات بدیری محیط - آزادی انتخاب - انعطاف‌پذیری - قابلیت انتخاب برای همگان - ایجاد وضوح و خوانایی محیط - تغییرپذیری - ساختار و خوانایی	به رسمیت شناختن حق انتخاب فردی و همگانی
- قابلیت دسترسی برای همگان	نفوذپذیر بودن - دسترسی - دسترسی به فرصت‌ها، تخييل و شادی - برابری و مساوات	ایجاد فرصت‌های برابر
- مشارکت در خلق و استفاده از فضا	اختلاط اجتماعی - ایجاد انگیزش از طریق کلبرد فرم‌های شهری متباین - رنگ تعاق - زندگی اجتماعی و همگانی - مشورت و مشارکت دادن استفاده‌کنندگان در طرح‌ها - کیفیت عرصه همگانی	ایجاد زمینه مشارکت
- قابلیت گفتگو و تعامل چهره به چهره در فضا	اختلاط اجتماعی - زندگی اجتماعی و همگانی - وجود فضاهای همگانی و فضاهای خاص - روابط خلاقانه - کیفیت عرصه همگانی - مراودات اجتماعی	ایجاد زمینه گفتمان
- قابلیت معاگزایی محیطی	معنی (حس) - به گوش رسیدن آوای گذشته به مفهوم قابل قرات بودن میراث‌های فرهنگی - غنای حسی - رنگ تعاق - حافظت تاریخی و مرمت شهری - بستر و محیط فرهنگی - توجه به ارزش‌های معمارانه محیط - اصالت و معنا - استفاده از تجرب شهربازی سنتی در ساخت و سازهای جدید - زیبایی - وحدت - هماهنگی - حافظت تاریخ - نگهداری	حفظ هویت و ارزش‌های فردی و همگانی
- مقیاس مناسب	طراحی برای پیاده‌ها (پیاده‌داری) - توجه به مقیاس انسانی در طرح‌ها (مقیاس انسانی) - مقیاس مناسب	حفظ حقوق فردی
- تعریف‌شدن قلمروهای جمعی و فردی	امکان زندگی اجتماعی در مقابل زندگی خصوصی	حفظ حقوق جمعی (همگانی)
- رفاه و آسایش محیطی	سرزندگی - کارایی از نظر مصرف انرژی - پاکیزگی (به حداقل رساندن آلودگی هو) - حیات و پشتیبانی از طبیعت و حیات وحش (نگهداری از اکوپیستم‌ها) - بستر و محیط طبیعی - خود اثکایی شهری - توجه به ماندگاری و پایداری محیطی - امنیت - اقتصاد و ابزارهای مناسب آن - پایداری - کیفیت زیست‌محیطی - آسایش و راحتی - بهداشت و ایمنی - حفاظت محیط طبیعی	ایجاد زمینه رفاه و آسایش فردی و همگانی
- پراکندگی مناسب امکانات و تسهیلات در سطح شهر	عدالت - برابری و مساوات - نظارت	عدم تحرکت قدرت
- مدیریت شهری کارآمد	کنترل و نظارت - کنترل - نظام - نظارت و اختیار	قانون‌مندی و نظم

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

۲۹۴

خدماتی و تخصصی اشتغال دارند. رشد امر مجازی نه ضرورت وجودی طبقه تولیدگر را منتفی می‌کند و نه طبقه خلاق و یاسرمایه دار را.

[ در شهر بزرگی همچون تهران ] بسیار مشکل است نظم دیکته شده‌ای را حاکم کرد، ولی اگر در هسته‌های کوچک شهری در سطح محلات متمرکز شویم می‌سیرت خواهد بود و هویت بخشی در محلات و حرکت افقی و از پایین کارآمدتر و نتیجه بخش تر خواهد بود. این امر با ایجاد گفتگو و تعامل اجتماعی بین شهروندان صورت پذیر است. این گفت و گو مستلزم ایجاد فضای گفت و گواست و فضای گفتگومی تواند پیاده رو مناسب، پارک، فرهنگسرا، سایت‌های اینترنتی ارتباط محلی مستقر در مراکز فرهنگی، پارک‌های علمی - آموزشی، کتابخانه،

بدیهی می‌داند. بسیاری بر این باورند که امر مجازی نه تنها رسانش را به عهده دارد بلکه با تاثیرگذاری بر شرایط،

به تولید محتواهای جدید انسانی نیز می‌پردازد. در حقیقت امکانات سبب تحقق موضوعات می‌گردد. در یک نگاه کلی و پذیرفته شده به طبقات اقتصادی در جامعه، با سه دسته مشخص روبرو هستیم:

۵ یکی اقلیت خلاق یا سرمایه داری که خود مسیر خود را ایجاد می‌کنند و شرایط را به وجود می‌آورند.

۰ دسته دوم عده‌ای هستند که عمدتاً به امور تولیدی اشتغال دارند و از طریق فعالیت فیزیکی و یدی کسب مزیت اقتصادی می‌کنند.

۰ در این میان عده‌ای نیز هستند که به عنوان حلقه واسطه و یا بهتر است بگوییم طبقه متوسط بیشتر به امور

- سیاست تا فضا در عرصه‌های عمومی شهری، انتشارات اشراق، در حال چاپ.
۱۰. بمانیان، محمد و هادی محمودی نژاد (۱۳۸۷) پدیدارشناسی مکان: به جانب ارتقاء فضا به مکان شهری، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور.
  ۱۱. بنتلی، ایین الک، آلن و مورین، پال و مک‌گلین، سو و اسمیت، گراهام (۱۳۸۲) محیط‌های پاسخده، مترجم: دکتر مصطفی بهزاد فر، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
  ۱۲. بنجامین (۱۳۶۳) ایران و ایرانیان، ترجمه حسین کرد بچه، تهران، انتشارات جاویدان.
  ۱۳. بهزاد، مصطفی و پیام محمودی کردستانی (۱۳۸۸) هنگاه‌های کیفی طراحی فضای شهری مردم‌دار (آزادی مدار): آرمانشهر، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
  ۱۴. پارسی، حمید رضا (۱۳۷۹) فضای شهری، حیات مدنی و نیروی اجتماعی فرهنگی (مطالعه موردی خیابان کارگر)، رساله دکتری، دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران.
  ۱۵. پارسی، حمید رضا (۱۳۸۱) شناخت محتوای فضای شهری، مجله دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۱۱.
  ۱۶. پارکینسن، جان (۱۳۸۶) دموکراسی معماري و فضای همگانی، ترجمه سحر قاسمیان، فصلنامه معماری ایران، دوره هشتم، شماره ۲۹+۳۰، تابستان و پاییز ۱۳۸۶.
  ۱۷. پاسبان حضرت، غلامرضا (۱۳۷۸) چند سوال درباره طراحی معماري، معماري و شهرسازی، شماره‌های ۵۴ و ۵۵.
  ۱۸. پاکزاد جهانشاه و اسدی خوانساری حسین (۱۳۹۰) راهنمای طراحی فضای شهری در ایران، انتشارات پیام سیما.
  ۱۹. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۱) کیفیت محیط شهری: مطالعه معوقه شهروندان، فصلنامه پژوهشی، تحلیلی، آموزشی مدیریت و برنامه‌ریزی، سازمان شهرداری کشور، سال سوم.
  ۲۰. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۴) راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.
  ۲۱. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵) مفاهیم و مبانی نظری فرآیند نمایشگاه و سالن‌های کنسرت، تئاتر، موسیقی، کافه‌های اینترنتی، فضای مذهبی مسجد، تکیه، حسینیه، سفاخانه، جشنواره، مراسم مذهبی، تعزیه، کارناوال، سمینار، مجله یارسانه‌های خبری باشد. فضاهای گفت و گوایجاد کننده کثرت‌گرایی شهروندی است و کثرت‌گرایی شهروندی یعنی فضایی که اخلاق مدنی بتواند شکل بگیرد و روابط بین شهروندان به صورت مسؤولانه مطرح شود؛ با رشد و بالندگی حوزه عمومی و جو سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که خود بستر نقد و توزیع مناسب قدرت، مفاهمه و تعامل میان حاکمان و مردم هستند انگیزه و احساس نیاز به گفتگو افزایش می‌یابد و تحقق کالبدی فضای گفتگومی تواند گامی مؤثر در تکمیل حلقه گفتگو باشد.
- منابع و مأخذ**
۱. احمدی، بابک (۱۳۷۲) گستره همگانی در نگرش انتقادی هایرماس، مجله گفتگو، شماره ۱.
  ۲. آدورنو، تئودور (۱۳۸۲) نظریه زیباشناسی: گزیده نوشته هایی در باب زیباشناسی انتقادی، زیباشناسی و مدرنیسم، تهران، گام نو.
  ۳. افروغ عmad (۱۳۷۷) فضای نابرابری اجتماعی (ارائه الگویی برای جدایی گزینی فضایی و پیامدهای آن)، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
  ۴. بحرینی سید حسین (۱۳۷۵) تحلیل فضاهای شهری (درابطه بالگوهای رفتاری استفاده کنندگان و ضوابطی برای طراحی)، انتشارات دانشگاه تهران.
  ۵. بحرینی و دیگران (۱۳۸۸) تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
  ۶. بحرینی، حسین و طبیبیان، منوچهر (۱۳۷۷) مدل ارزیابی کیفیت محیط زیست شهری، مجله محیط شناسی، دوره ۲۴، شماره ۲۱.
  ۷. بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.
  ۸. بحرینی، سید حسین و گلناز تاج بخش (۱۳۸۷) مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن، هنرهای زیبا، تهران، شماره ۶.
  ۹. بلندیان، محمد مهدی و سارا ناصری (۱۳۹۳) از

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

عیاد

۳۷. حبیبی، سید محسن (۱۳۸۰) فضای شهری برخورد نظریه‌ای، مجله صفه، دانشگاه شهید بهشتی شماره ۲۳.
۳۸. حبیبی، سید محسن (۱۳۸۵) شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳۹. حبیبی، سید محسن (۱۳۸۶) از شار تا شهر، تهران، دانشگاه تهران، چاپ هفتم
۴۰. حبیبی، محسن (۱۳۷۸) فضای شهری، حیات واقعه‌ای و خاطره‌های جمعی، مجله صفه، سال نهم، شماره ۲۸. بهار و تابستان ۱۳۷۸
۴۱. دانشپور سید عبدالهادی و الهی مسعود (۱۳۸۹) تفرجگاه شهری و تحقق حیات مدنی، بازشناسی نقش فضای عمومی خیابان در بنده در ساختار بخشی به حیات مدنی، مجله نهاد توسعه تهران ویژه نامه شماره هفتم.
۴۲. دانشپور سید عبدالهادی و تفرجی روجا (۱۳۹۰) بررسی شکل‌گیری حیات جمعی در فضای باز عمومی شهر با تأکید بر حضور زنان (مطالعه موردی: سه راه جمهوری تا چهارراه ولی‌عصر تهران)، فصلنامه نماد.
۴۳. دوبوکور، مونیک (۱۳۷۰) رمزهای زندگان، ستاری، جلال، مرکز.
۴۴. دیبا، داراب (۱۳۷۸) حصول زبانی برای معماری امروز ایران، معماری و شهرسازی، شماره ۵۰ و ۵۱.
۴۵. رفیعیان مجتبی و سیفایی مهسا (۱۳۸۴) فضاهای عمومی شهری بازنگری و ارزیابی کیفی، مجله هنرهای زیبا، دانشگاه تهران شماره ۳۳.
۴۶. رهنمایی، محمد تقی؛ اشرفی، یوسف (۱۳۸۶) فضاهای عمومی شهر و نقش آن در شکل‌گیری جامعه‌ی مدنی از دیدگاه برنامه ریزی شهری، نشریه‌ی جغرافیا، دوره‌ی جدید سال پنجم، شماره‌ی ۱۴ و ۱۵
۴۷. سیف الدینی، فرانک (۱۳۷۶) مشارکت مردمی و برنامه ریزی توسعه، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دروهی دوازدهم، شماره‌ی دوم
۴۸. شیخ زین الدین، حسین (۱۳۷۸) فرم در معماری، معماری و فرهنگ، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۸
۴۹. عباس زادگان مصطفی (۱۳۸۴) ابعاد اجتماعی- روانشناختی فضاهای شهری، مجله علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت، جلد ۱۶ شماره ۱.
- طراحی شهری، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۲. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهیدی.
۲۳. پایا، علی (۱۳۷۷) معجزه گفتگو. مجله راه نو. سال اول. شماره ۵. ۱۳۷۷
۲۴. پوپر، کارل (۱۳۶۴) جامعه باز و دشمنان آن، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، انتشارات خوارزمی.
۲۵. پین، مایکل (۱۳۷۹) بارت، فوکو، آلتوسر، ترجمه پیام یزدانجو، تهران، نشر مرکز.
۲۶. پیران، پرویز (۱۳۷۰) دیدگاه‌های نظری در جامعه شناسی شهری؛ مکتب اقتصاد سیاسی فضا، ماهنامه اطلاعات اقتصادی سیاسی، شماره ۵۱ و ۵۲.
۲۷. پیران، پرویز (۱۳۷۶) شهر شهروندمدار، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۱۹-۱۲۰
۲۸. پیران، پرویز (۱۳۷۹) اداره‌ی مردمی شهرها و ضرورت آن در ایران، فصلنامه‌ی معماری و فرهنگ، شماره ۷
۲۹. پیران، پرویز (۱۳۸۱) شورا در ایران، نگاهی آسیب‌شناخته، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۵
۳۰. تانکیس (۱۳۸۸) فرم. فضا، شهر و نظریه اجتماعی (مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری)، ترجمه پارسی، حمیدرضا و دیگران. انتشارات دانشگاه تهران.
۳۱. ترابی، علی (۱۳۸۳) آموزش در مدیریت شهری: اولویت‌ها و موانع، شهرداریها، سال پنجم، شماره ۶۰.
۳۲. توسلی محمود و بنیادی ناصر (۱۳۷۱) طراحی فضای شهری (فضاهای شهری و جایگاه آن در زندگی و سیمای شهری جلد اول، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۳۳. حبیبی، رعنا سادات (۱۳۸۷) تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان، نشریه هنرهای زیبا، ش ۳۵، تهران.
۳۴. حبیب، فرج (۱۳۸۰) فضای شهری بستر تعامل اجتماعی (تعامل اجتماعی رویکردی به پایداری)، فصلنامه معماری و فرهنگ. سال هفتم، شماره ۲۴
۳۵. حبیبی سید محسن (۱۳۸۲) از شار تا شهر (تحلیل تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تاثر)، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۶. پیش‌جذب‌گذشته شهری، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۷.

۵۰. فری، هیلدربراند (۱۳۸۳) طراحی شهری، به سوی یک شکل پایدارتر شهر، ترجمه دکتر حسین بحرینی، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، چاپ اول.
۵۱. کاپلستون، فردیک (۱۳۷۵) تاریخ فلسفه، ترجمه سعادت، بزرگمهر و دیگران، تهران، علمی فرهنگی، سروش.
۵۲. کارل هدن، مایکل و دیگران (۱۳۷۶) دموکراسی و آرمانشهر، گفتگو با یورگن هابرماس، ترجمه صداقت، پرویز. فصلنامه معماری و شهرسازی، دوره ششم، شماره ۹۸. بهمن و اسفند ۷۵، فروردین وارد یهشت ۷۶.
۵۳. کارمونا متیو و دیگران (۱۳۸۸) مکان‌های عمومی فضاهای شهری (ابعاد گوناگون طراحی شهری، ترجمه فریبا لقایی و دیگران، انتشارات دانشگاه هنر).
۵۴. کارمونا، متیو و دیگران (۱۳۸۸) مکان‌های عمومی فضاهای شهری، ابعاد گوناگون طراحی شهری، ترجمه قدائی، فریبا و دیگران، انتشارات دانشگاه هنر، ۱۳۸۸.
۵۵. کهون، لارنس (۱۳۸۱) از مدرنیسم تا پست مدرنیسم، ویرایش عبدالکریم رشیدیان، تهران، چاپ ۱، نشری.
۵۶. گلکار، کورش (۱۳۸۰) مؤلفه‌های سازنده کیفیت محیط شهری، نشریه صفحه، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۲.
۵۷. گلکار، کورش (۱۳۷۹) طراحی شهری پایدار در شهرهای حاشیه کویر، مجله هنرهای زیبا، شماره ۸، زمستان ۱۳۷۹.
۵۸. گل، یان (۱۳۸۷) زندگی در فضای میان ساختمانها، ترجمه شیما‌شصتی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۵۹. گوهري پور، حامد؛ کريمي، مهدى (۱۳۸۹) ارزیابي ميزان رضايت شهر و ندان از عملکرد مدیریت شهری، پيان نامه كارشناسي به راهنمائي دكتر ناصر برک پور، تهران، دانشکده شهرسازی و معماری دانشگاه هنر.
۶۰. مدنی پور، علی (۱۳۸۷) طراحی فضای شهری (نگرشی بر فرآيندهای اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.
۶۱. مدنی پور، علی (۱۳۸۹) فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه فرشاد نوریان، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۶۲. مسعودی، کیومرث (۱۳۸۰) فضاهای عمومی شهری جایگاه تعامل اجتماعی ماهنامه شهرداریها، سال سوم، شماره ۲۶، تیر ۱۳۸۰.
۶۳. نصر، سید حسین (۱۳۸۴) دین و نظام طبیعت، ترجمه محمد حسن فغفوری، انتشارات حکمت، چاپ اول.
۶۴. هابرماس، یورگن (۱۳۸۱) سیطره عمومی، ترجمه: هاله لا جوردی، فصلنامه ارغون، شماره ۲۰.
۶۵. پیران، پرویز (۱۳۷۶) شهر شهروندمدار، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۱۹-۱۲۰.
۶۶. پیران، پرویز (۱۳۷۹) اداره‌ی مردمی شهرها و ضرورت آن در ایران، فصلنامه معماری و فرهنگ، شماره ۷.
۶۷. پیران، پرویز (۱۳۸۱) شورا در ایران، نگاهی آسیب شناسانه، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۵.
۶۸. حبیبی، سید محسن (۱۳۸۶) از شارتا شهر، تهران، دانشگاه تهران، چاپ هفتم.
۶۹. حبیبی، سید محسن؛ سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۴) شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران، نشریه‌ی هنرهای زیبا، شماره ۲۴.
۷۰. خاتم، اعظم (۱۳۸۳) حوزه همگانی و فضاهای عمومی در ایران، فصلنامه اندیشه ایرانشهر، شماره ۲.
۷۱. رفیعیان، مجتبی؛ سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) فضاهای عمومی شهری؛ بازنگری و ارزیابی کیفی، نشریه‌ی هنرهای زیبا، شماره ۲۳.
۷۲. رهنمايی، محمدتقی؛ اشرفی، یوسف (۱۳۸۶) فضاهای عمومی شهر و نقش آن در شکل‌گیری جامعه‌ی مدنی از دیدگاه برنامه ریزی شهری، نشریه‌ی جغرافیا، دوره‌ی جدید سال پنجم، شماره ۱۴ و ۱۵.
۷۳. سيف الدینی، فرانک (۱۳۷۶) مشارکت مردمی و برنامه ریزی توسعه، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دروهی دوازدهم، شماره ۲۰.
۷۴. شريف زاده، فتاح؛ قلی پور، رحمت الله (۱۳۸۲) حکمرانی خوب و نقش دولت، فرهنگ مدیریت، سال اول، شماره ۴.
۷۵. شريفيان ثانی، مریم (۱۳۸۰) مشارکت شهر وندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری، فصلنامه‌ی مدیریت شهری، شماره ۸.
۷۶. کوشش گران، سید علی اکبر (۱۳۸۸) ساختمان اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.

شهرداری، سازمان اداری یاکاخ مردمی، دو ماهنامه پیام  
۴۸، مهندس، شماره‌ی

۷۷. موریس، جیمز (۱۳۸۵) تاریخ شکل شهر، مترجم:  
راضیه رضازاده، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران،  
چاپ چهارم

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳  
No.36 Autumn 2014

■ ۲۹۸ ■